

## تأثیر پوشش اسلامی در مهار غریزه جنسی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مهدی زاده، حسین

عنوان و نام پدیدآور: تأثیر پوشش اسلامی در مهار غریزه جنسی / حسین مهدی زاده ؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: [۲]، ۱۰۶ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۷۹۳.

شابک: ۷۰۰۰ ریال: ۹۶۴۸۶۰۶۲۷۷

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۳] - ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حجاب -- تأثیر.

موضوع: حجاب -- جنبه های قرآنی.

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره: BP230/17/م ۸۷۳ ت ۲

رده بندی دیویی: ۶۳۶/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۹۴۵۸

ص: ۱

**اشاره**

ص: ۲

**فهرست مطالب**

فهرست

مطالب ..... ۳

د بیاچه ..... ۶

۶ ...

پیش

گفتار ..... ۹

بخش اول ..... ۱۱

۱۱

کلیات ..... ۱۱

۱۱

۱. مفهوم غریزه جنسی و رویکردهای مهم به آن ..... ۱۲

۲. مفهوم پوشش اسلامی و برخی مصادیق مهم آن ..... ۲۴

۲۴

بخش دوم : جلوه های باطنی و ظاهری پوشش  
اسلامی ..... ۳۱

فصل اول: برخی جلوه های باطنی تأثیر پوشش اسلامی.....  
۳۲

۱. عفت..... ۳۲

۲. حیا..... ۳۶

۳. دین..... ۴۱

فصل دوم: برخی جلوه های ظاهری تأثیر پوشش اسلامی.....  
۴۵

۱. پوشش های بدنی مطلوب و نامطلوب..... ۴۵

الف) ناپسند بودن پوشش شفاف و نازک..... ۴۹

ب) ناشایست بودن لباس و پوشش تنگ..... ۵۱

ص: ۳

ج) ناشایست بودن استفاده زنان و مردان از پوشش های اختصاصی یکدیگر..... ۵۳

د) پوشیدگی زینت از نامحرم..... ۵۴

موارد استثناء..... ۵۸

۱. برخی اشخاص..... ۵۸

۲. برخی از اعضای بدن..... ۵۹
- ۵ ( پوشش چشم و نگاه از نامحرم..... ۶۳
- و) نداشتن تماس جسمی نامحرمان..... ۷۲
۲. پوشش های محیطی مطلوب و نامطلوب..... ۷۴
- الف) مطلوبیت جداسازی محل خواب افراد..... ۷۴
- ب) جداسازی محل خواب والدین از فرزندان..... ۷۶
- ج) نامطلوب بودن خلوت با نامحرم..... ۸۴
- د) نامطلوب بودن استعمال عطرهای تند و تحریک کننده..... ۸۵
- ه) نامطلوب بودن راه رفتن در وسط جاده..... ۸۷
- بخش سوم: همراه با برنامه سازان.....
- ۸۹
- انتقادات و پیشنهادها..... ۸۹
- معرفی برخی مراکز و مؤسسه ها.....
- ۹۴
- پرسش های مردمی.....
- ۹۴

پرسش های کارشناسی.....  
۹۵

ص: ۴

معرفی برخی افرادی که در زمینه پوشش مطالعات و تحقیقاتی داشته اند.....  
۹۶

معرفی برخی منابع.....  
۹۷

نتیجه گیری.....  
۹۹

کتاب نامه.....  
۱۰۱

ص: ۵

## دیباچه

با بررسی آثار تمدن های مختلف در می یابیم که حجاب از آداب و رسوم دیرینه تمدن های بشری بوده است. نقوشی که از نیاکان به جا مانده، از ارزشگذاری به حجاب در بیشتر اقوام و ملت ها حکایت می کند. «در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی شود و ناامنی از ایشان نیز به نظر نمی رسد».<sup>(۱)</sup>

اسلام نیز با عبارت قرآنی «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (احزاب: ۵۹)، به زنان مؤمن می آموزد که با پیروی از حکم پیامبر

صلی الله علیه و آله پوشش های بلند (مانند چادر) بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.

از مجموع آیات و روایات اسلامی بر می آید که زن باید خود را از نامحرم پوشیده دارد و از هرگونه رفتار و سخن و لباس و عملی که نظر نامحرم را جلب کند، پرهیزد تا کسانی که در قلبشان طمع وجود دارد، به آنان تمایل نکنند. امام باقر علیه السلام در هشدار می فرماید: «سخن گفتن با زن نامحرم، از دام های شیطان است».<sup>(۲)</sup>

حجاب سدی در برابر امیال هوسبازان است و باعث روآوری جوانان به ازدواج می شود. چنانچه بی حجابی و بی عفتی می تواند سبب گریز جوانان از ازدواج گردد.

حجاب موجب خشنودی خداوند است؛ زیرا زن با حجاب خویش جلال خود را

ص: ۶

۱- [۱]. تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۳.

حفظ می کند و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست. حجاب وسیله ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن است؛ حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه را به نمایش می گذارد و ایمان و اعتقاد زن را به خداوند سبحان نشان می دهد.

زن با حجاب در تیررس هواهای نفسانی ناپاکان نیست. بنابراین، محبوب است و محبوب می ماند. زنان با حجاب چون مرواریدی در صدف عفافند که با ارزشند و گران بها.

کوتاه سخن اینکه زنان با حجاب تنها بنده خدایند و سبب عزت و سرافرازی خود و خانواده شان می باشند.

ولی اینکه در عصری قرار گرفته ایم که در فرهنگ غرب؛ عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته است. غریبان و غرب باوران، بی حجابی را جزیی از حقوق آزادی زنان به حساب می آورند. در این حال، سخن از حجاب برای آنان ناخوشایند و گاه به مثابه افسانه ای متعلق به زمان های گذشته است.

به راستی کدامین راه برای زنان عزت آفرین و شخصیت آور است. آیا اگر زنان مانند عروسکی بزرگ شده به جامعه بیایند و مردان هرزه به آنان چشم بدوزند و حرمت آنان را پایین آورند و زنان درگیر مسابقه خودنمایی شوند شخصیت آنان حفظ می شود یا وقتی که حرمت و احترام خود را در محیط خانواده حفظ کنند و عزت و شخصیت خویش را پاس دارند؟

اساساً پوشش زنان سبب می شود تمتعات جنسی تنها در خانواده بوده و به حفظ و حراست از کیان اجتماعی و استفاده بهینه از نیروهای فعال آن کمک کند. در مقابل، حضور زنان بی حجاب و بدحجاب دل مردان را سست کرده و ایمانشان را می رباید و چه بسا باعث رکود در فعالیت های اجتماعی شود.

حیا و حجاب زن تدبیری است که خود زن با الهامی فطری برای ارج نهادن به خود و جایگاهش به کار می بندد. زن با هوش و فراست می داند که خداوند مرد را مظهر عاشقی

ص: ۷

و زن را مظهر معشوقیت ساخته است، از این رو، زن با عفت و با حجاب بهتر می تواند مرد را مجذوب خویش ساخته و بر ارج و احترامش بیافزاید.

لباس نشانگر حالات روحی، ایمانی و شخصیت افراد است. زنان پوشیده در گوهر عفاف، از درونی پاک و اعتقادی قوی خبر می دهند. زنان دین دار، خود را برای شوهر می آریند و از هرگونه حرکات و پوشش های جلف و سبک دوری می گزینند.

زن به لحاظ فطری، به زینت و آرایش تمایل دارد. اگر این غریزه مهار نشود، می تواند به خاستگاهی برای انحراف تبدیل شود. وقتی اصالت و ارزش انسان ها به لباس باشد، آدمی برای تهیه آن به هرگونه تحقیری تن می دهد و گوهر گران بهای خویش را از یاد می برد. زن بی حجاب و بدحجاب به جای خداپرستی، مدپرستی می کند و ارزش های وجودی خویش را در برابر چشم ها می نهد و خود را بی ارزش می سازد.

پژوهشگر ارجمند جناب حجه الاسلام آقای حسین مهدی زاده با توسعه مفهوم حجاب به گونه ای که هم جلوه های ظاهری مانند، مانتو، مقنعه و چادر و هم جلوه های باطنی همچون حیا و عفت و پاکدامنی را شامل شود کوشیده اند تا در ترویج فرهنگ حجاب و شناخت آسیب های بی حجابی و نیز راه کارهای اصلاحی آن، گام های ارزنده ای را بردارند. با امید به اینکه یافته های تحقیقی ایشان در ترویج فرهنگ حجاب مؤثر افتد.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۸

**پیش گفتار**



يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ  
 مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ \* يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ  
 يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا. (۱) (اعراف: ۲۶ \_ ۲۷).

ای فرزند آدم! برایتان لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت  
 شماست و لباس تقوا بهترین است. این از آیات خداست، باشد که متذکر شده، پند  
 گیرند. ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را فریب دهد، چنان که پدر و مادر شما را از  
 بهشت بیرون کرد، پوشش از تن آنان بر کند و زشتی آنان را در نظرشان پدیدار ساخت.

از آیات شریفه بالا استفاده می شود اصل پوشش امری ذاتی و فطری انسان، اعم از زن و  
 مرد است و در مقابل، برهنگی و عریانی فتنه ای شیطانی است که انسان در اثر وسوسه  
 های شیطانی به آن دچار می گردد و خود و افراد جامعه را به آسیب های غریزه جنسی  
 مبتلا می کند.

بی تردید غریزه جنسی یکی از غرایز مهم در حیات انسان است که با فرا رسیدن دوران  
 بلوغ و جوانی فعالیت آن بروز و ظهور می یابد و در اثر محرک های مختلف تحریک  
 می شود. خداوند حکیم به منظور بهره مندی صحیح و مشروع از آن برای کنترل تحریک  
 غریزه جنسی، راه های مختلفی را قرار داده است که از آن میان، راه کارهای طبیعی هم  
 چون ازدواج و پوشش، نقش مؤثری در مهار غریزه جنسی دارند.

نوشته حاضر، در پی آن است که بر اساس منابع اصیل اسلامی، یعنی قرآن و حدیث،

۱- [۱]. برای توضیح بیشتر نک: تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۶۸، سعید عسگری، «حجاب در ادیان الهی» مجله حدیث زندگی، شماره ۶، ویژه عفاف، ص ۲۳.

به بررسی جلوه های تأثیر پوشش در مهار غریزه جنسی پردازد.

بنابراین، پرسش اصلی این اثر آن است که آیا پوشش های اسلامی در مهار تحریک جنسی کارآمد هستند یا نه و اگر هستند، چگونه و چه مقدار؟ طبیعی است که برای دست یابی به پاسخ پرسش های بالا، پرسش فرعی دیگری نیز باید پاسخ داده شود. مانند این که اساساً غریزه جنسی چیست؟ چه رویکردهایی نسبت به آن وجود دارد؟ مفهوم، مصداق ها و انواع پوشش های اسلامی چیست؟ آیا همه انواع پوشش های اسلامی در مهار غریزه جنسی کارآمدند یا نه و اگر هستند، جلوه های تأثیر و کار آمدی آن ها چیست؟

پرسش های بالا برخی از مهم ترین پرسش های فرعی هستند که پاسخ آن ها، دست یابی به پاسخ پرسش اصلی را ممکن می گرداند. چون رویکرد ما در نوشتار حاضر، بیش تر رویکردی قرآنی و حدیثی است، از این رو، فراوان به آیات و روایات استناد شده است و البته در کنار آن ها، در حدّ توان شواهد و تأییداتی نیز از دیدگاه های دانشمندان اسلامی و نیز روان شناسانی که با موضوع ارتباط دارند، مانند عالمان روان شناسی جنسی و روان شناسی پوشش بهره جسته ایم. پیشاپیش از این که به تناسب بحث از غریزه جنسی، گاه ناگزیر شده ایم آشکارا برخی از مطالب و مفاهیم مربوط به مسائل جنسی را مطرح کنیم پوزش خواسته و از راهنمایی های منطقی خوانندگان این اثر استقبال می کنیم. همچنین درباره پوشش، اثر دیگری از نگارنده با عنوان «حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید» به چاپ رسیده است که می تواند پاسخگوی، برخی از پرسش های احتمالی خوانندگان ارجمند در زمینه پوشش اسلامی می باشد.

ص: ۱۰

**بخش اول: کلیات****اشاره**

ص: ۱۱

**۱- مفهوم غریزه جنسی و رویکردهای مهم به آن**

غریزه جنسی، یکی از نیرومندترین غرایز آدمی است که در دوران کودکی نهان است، ولی اندک اندک در دوران نوجوانی و بلوغ آشکار می گردد. شکوفایی این غریزه، کم کم با هزاران تصور و احساس دیگر همراه می شود و پس از مدتی، تقریباً بر وجود آدمی سیطره می یابد. البته این نیرومندی به معنای غیر قابل کنترل بودن آن نیست، بلکه این غریزه را با تقویت اراده و ایمان می توان کنترل کرد. (۱) غریزه جنسی بزرگ ترین نیرویی است که بر جسم و جان جوانان حکومت می کند و نیرومندترین انگیزه ای است که اندیشه و افکار آنان را برمی انگیزاند. جوانان بیش از هر چیزی به ارضای شهوات و لذت جویی فکر می کنند. آتش غریزه جنسی به ویژه در نزد پسران، شعله ورتر می شود و تحریک شهوانی هم چون تصادم امواج با ساحل شروع به مبارزه می کند. عمل این غریزه آن قدر نیرومند است که در واقع مرکز تحریک مستقیم برای تمام آرزوهای اعضای مختلف بدن می گردد. (۲) اما بدون تردید غریزه جنسی در انسان واقعیتی است که بدون فایده و حکمت آفریده نشده است. از جمله فایده های غریزه جنسی، آرامش روحی، فراهم کردن زندگی اجتماعی زناشویی و برخورداری انسان از لذت های جنسی

مشروع است. غده های جنسی که تأمین کننده نیازهای غریزه جنسی هستند، نه تنها برای حفظ نسل و نژاد وظیفه بزرگی دارند که در تشدید فعالیت های فیزیولوژیکی، روانی و معنوی انسان نیز مؤثرند. از میان مردانی که غده های جنسی آنها برداشته شده است، هیچ گاه انسان ها و دانشمندان بزرگ پیدا نمی شود. برداشتن غده های جنسی، باعث تغییراتی در

ص: ۱۲

۱- [۱]. محمد رضا شرفی، دنیای نوجوان، ص ۱۷۸.

۲- [۲]. محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، صص ۲۳۰۷ \_ ۲۳۱۹.

حالت های روانی می گردد و شخصیت چنین افرادی رفته رفته فرسوده می شود. (۱) زنان نیز پس از بیرون آوردن غدد جنسی (۲) افسرده می شوند و قسمتی از فعالیت های فکری و حس اخلاقی خود را از دست می دهند.

در طول تاریخ حیات انسان، در مواجهه با غریزه جنسی، رویکردهای افراطی و تفریطی، ظاهر گشته است. نمونه برجسته رویکرد تفریطی را می توان در برخی محافل مذهبی مسیحی دید. به گونه ای که آمیزش جنسی در بین روحانیان و مقدسان مسیحی عملی پلید به شمار می آید. در مسیحیت، شرط وصول به مقامات روحانی و کلیسایی، آلوده نشدن به زن در تمام مدت عمر می دانند و پاپ از میان چنین افرادی انتخاب می گردد. (۳) در مقابل چنین رویکرد تفریطی، رویکرد افراطی گروهی از دانشمندان و فیلسوفان غربی در برخورد با غریزه جنسی است. آن ها منشأ بسیاری از بدبختی های انسان را، محدودیت ارضای غریزه جنسی و سعادت او را، ارضای هر چه بیش تر این غریزه می دانند. دیدگاه های فروید و راسل درباره غریزه جنسی، دو نمونه برجسته از رویکرد افراطی در مواجهه

با این گزینه است. (۴) در بینش اسلامی، برخورد افراطی و تفریطی با واقعیت های جهان هستی، امری مردود است. از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «لاتری الجاهل الا مفراطا او مفرطا؛ (۵) جاهل رانمی بینی مگر این که یا دچار افراط و یا دچار تفریط است».

برخوردهای افراطی و تفریطی در رویارویی با واقعیتی به نام گزینه جنسی نیز حاکی

ص: ۱۳

۱- [۱]. جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲- [۲]. تخمدان ها.

۳- [۳]. مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۱۳ \_ ۱۴.

۴- [۴]. برای آگاهی بیش تر با دیدگاه افراطی و تفریطی مذکور و نقد و بررسی آن دو، به کتاب اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب استاد مرتضی مطهری مراجعه شود.

۵- [۵]. نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح، ص ۴۷۹، حکمت ۷۰.

از نشناختن گزینه جنسی است. برخلاف دو رویکرد افراط و تفریط گونه با گزینه جنسی در غرب، در فرهنگ اسلامی، رویکردی اعتدالی، همراه با پذیرش واقعیت و شناخت دقیق حقیقت گزینه جنسی دیده می شود؛ به گونه ای که هم شهوت گرایی و برخورد افراطی با گزینه جنسی و هم برخورد تفریطی، یعنی عزلت گزینی، رهبانیت و عدم استفاده مطلق از لذت های جنسی مشروع، در اسلام مردود است.

به گفته یکی از دانشمندان اسلامی، بزرگ ترین پرتگاهی که در راه زندگی جوانان وجود دارد و اغلب سبب سقوط آنان می شود، تند روی در اعمال بعضی از غرایز، به

ویژه غرایز جنسی است و هدف برنامه های دینی، تعدیل کردن این خواهش هاست، نه سرکوب آن ها. تعدیل غریزه جنسی نخستین و اساسی ترین پایه تربیت نسل جوان است. (۱)

یکی از طبیعی ترین و اساسی ترین برنامه های دینی اسلام برای تعدیل غریزه جنسی، ازدواج و ارضای این غریزه از راه مشروع و معقول است. (۲) از این رو، برای نمونه، برخی از آموزه های اسلامی قرآن و حدیث را درباره نفی رهبانیت، ترغیب به ازدواج و استفاده از لذت های مشروع ذکر می کنیم.

وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا. (حدید: ۲۷)

و سپس عیسی بن مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را بخشیدیم و در دل پیروان حقیقی او رأفت و مهربانی نهادیم، ولی رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیختند. ما بر آن ها جز آن که خشنودی خدا را بجویند در کتاب انجیل ننوشتیم و باز آن ها چنان که باید و

ص: ۱۴

۱- [۱]. جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، صص ۳۱۰ \_ ۳۲۱.

۲- [۲]. برای آگاهی بیش تر درباره تأثیر ازدواج در تعدیل غریزه جنسی و دیگر آثار فردی و اجتماعی ازدواج از دیدگاه قرآن و اسلام، به کتاب اخلاق در قرآن استاد مصباح یزدی، ج ۲ بحث غریزه جنسی و ازدواج صص ۲۳۹ \_ ۲۵۹ مراجعه شود.

شاید همه مراعات آن را نکردند.

۲. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل است که: «لا رُهْبَانِيَهَ فِي الْإِسْلَامِ؛ (۱) رهبانیت و کتاره گیری از لذت های جنسی حلال در اسلام نیست».

۳. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. (روم: ۲۱)

و یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در برابر او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار کرد.

۴. وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً (نحل: ۷۲)

و خدا از جنس خودتان برای شما جفت آفرید و از آن جفت ها پسران و دختران و دامادان و نوادگان برای شما قرار داد.

۵. فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً. (نساء: ۳)

پس آن فردی از زنان را به نکاح خود آرید که برای شما نیکو و مناسب با عدالت است؛ دو یا سه یا چهار نه بیش تر و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید، راه عدالت نپیموده و به آن ها ستم کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید.

۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «الْنِّكَاحُ مِنْ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْهُ فَقَدْ رَغِبَ مِنْ سُنَّتِي؛ (۲) ازدواج سنت من است. پس هر که از آن روی گرداند از سنت من روی گردانده است».

۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «خيارُ أمتي المتهلِّونَ و شرارُ أمتي العُذَّابُ؛ (۳)»

ص: ۱۵

۱- [۱]. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، کتاب النکاح، ابواب مقدمات النکاح،

باب ۲، باب کراهه العزوبه و ترک التزویج، ص ۱۵۵، روایت ۲.

۲- [۲]. همان، باب ۱، باب استحبابه، ص ۱۵۳، روایت ۱.

۳- [۳]. همان، باب ۲، باب کراهه العزوبه و ترک التزویج، ص ۱۵۶، روایت ۷.

بهترین امت من افراد متاهل و بدترین امت من افراد غیر متاهل هستند».

۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا وَ مُطَهَّرًا فَلْيَتَعَفَّفَ بِزَوْجِهِ؛ (۱)»

هر فردی که دوست دارد خدا را در حالت پاکی و طهارت ملاقات کند، با داشتن همسر پاک دامنی بورزد».

۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ؛ (۲) کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را به دست آورده است».

۱۰. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ (۳)»

هیچ بنیادی دوست داشتنی تر از ازدواج نزد خداوند عزوجل، ساخته نشده است».



بی تردید خداوند برای تداوم نسل انسان و به کمال رسیدن او، انواع نعمت ها و لذت های مادی و معنوی را آفریده است که یکی از آن ها، لذت های جنسی است. لذت جنسی حلال که از راه ازدواج قابل دسترسی است، در حد معقول و اعتدال برای ادامه حیات انسان مورد نیاز است. از این رو، در قرآن و احادیث، استفاده از آن مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است. برای نمونه، برخی آیات و روایات ذکر می شود:

۱. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ (اعراف: ۳۲)

بگو ای پیامبر صلی الله علیه و آله! چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خویش آفریده ام حرام کرده و از رزق حلال و پاکیزه منع کرده است؟ بگو این نعمت ها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص این ها و نیکوتر از این ها در آخرت برای آنان خواهد بود.

ص: ۱۶

۱- [۱]. همان، باب ۱، باب استحباب النکاح، ص ۱۵۰، ح ۵.

۲- [۲]. کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، کتاب النکاح باب کراهه العزوبه، ح ۲، ص ۳۲۹.

۳- [۳]. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح باب ۱، باب استحباب النکاح، روایت ۴.

۲. زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ (آل عمران: ۱۴)

برای مردم دوستی شهوات نفسانی که عبارت است از میل به زن ها و فرزندان آراسته شده است.

۳. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

«جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ لَذَّتِي فِي الدُّنْيَا النِّسَاءِ؛ (۱) نماز، چشم روشنی من قرار داده شده و لذت دنیوی من زنان هستند».

۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «أَلَذُّ الْأَشْيَاءِ مَبَاضِعُهُ النِّسَاءُ؛ (۲) لذیذترین چیزها، ازدواج است».

۵. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى إِمْرَأَتِهِ وَ هِيَ عُرْيَانَةٌ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ هَلَّ اللَّذَّةُ إِلَّا ذَلِكَ؛ (۳)

از امام صادق علیه السلام درباره نگاه مرد به بدن برهنه زن خویش پرسیدند، فرمود: اشکال که ندارد هیچ، آیا لذت جز این است؟»

۶. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دَرَعَ الْحَيَاءِ وَ إِذَا خَلَّتْ مَعَ غَيْرِهِ لَبَسَتْ مَعَهُ دَرَعَ الْحَيَاءِ. (۴)

به درستی که بهترین همسران شما آن هایی هستند که وقتی با شوهران خود خلوت می کنند، پیراهن و لباس شرم و حیا را کنار می گذارند و هنگامی که با نامحرم خلوت می کنند، پیراهن و لباس حیا و شرم را به تن می کنند».

۷. امام صادق علیه السلام می فرماید: «انَّ فِي حَكْمِهِ آلِ دَاوُدَ: يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا

یُری

۱- [۱]. همان، باب ۳، باب استحباب حب النساء المحللات و اخبارهن و اختیارهن علی سائر اللذات، ح ۷.

۲- [۲]. همان، ح ۶.

۳- [۳]. همان، باب ۵۹، باب جواز النظر الی جمیع بدن الزوجه، ح ۱.

۴- [۴]. فیض کاشانی، محجبه البیضاء فی تہذیب الاحیاء، ج ۳، ص ۸۸

ظاعنا أَلَا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٌ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزَوُّدٌ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ ذَاتٍ مُحَرَّمٍ وَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يَفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَاتِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ؛ (۱)

به درستی که در حکمت آل داود آمده است: شایسته است برای انسان مسلمان عاقل که در حال تلاش دیده نشود مگر در سه کار: آبادی دنیا، فراهم کردن توشه اخروی یا لذت حلال. پس او باید زمانی را به وظایف بین خود و خدای عزّ و جلّ (عبادت) مشغول گردد. و زمانی داشته باشد که در آن برادران دینی خود را که به فیضشان می رساند و آن ها نیز او را در مسائل اخروی به فیض رسانند، ملاقات کند و زمانی را برای لذت های جنسی حلال با همسر خود اختصاص دهد. پس به درستی که این زمان کمک می کند که انسان وظایف خود را در آن دو زمان دیگر نیز به خوبی انجام دهد.

جمله «فانها عون علی تلك الساعتين»، بیانگر تأثیر مثبت ارضای لذت های مشروع در انجام شایسته کارهای دیگر زندگی است.

در کنار آیات و احادیث پیشین، آیات و روایات دیگری نیز وجود دارد که در باب ضررهای زیاده روی در استفاده از لذت‌ها، به ویژه لذت جنسی هشدار داده اند:

۱. وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا. (نساء: ۲۷).

و مردم هوس باز و پیرو شهوات می خواهند که شما مسلمانان از راه حق و از رحمت الهی بسیار دور و منحرف گردید.

۲. وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ \* فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ. (معارج: ۲۸ - ۳۱)

و آنان که اندام خود را از شهوت رانی نگاه می دارند، مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خویش، به درستی که این گونه افراد قابل ملامت و سرزنش نیستند و افرادی که ماورای این

ص: ۱۸

۱- [۱]. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۸۷.

حدود الهی را طلب کنند، پس آن‌ها ستمکارند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در زمینه خطر آفرین بودن شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی احادیثی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۳. يَا عِبَادَ اللَّهِ انْتُمْ كَالْمَرْضَىٰ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ فَصَلِّحُ الْمَرْضَىٰ فِيمَا يَعْلَمُ الطَّيِّبُ وَ يُدَاوِي بِهِ لَا فِيمَا يَشْتَهِيهِ الْمَرِيضُ وَ يَقْتَرِحُهُ أَلَا فَسَلِّمُوا اللَّهَ أَمْرَهُ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ؛ (۱)

ای بندگان خدا! شما همانند افراد بیمار هستید و پروردگار جهانیان مانند پزشک است. پس صلاح و نیکی بیماران در چیزهای است که پزشک می داند و به وسیله آن بیماران را درمان می کند؛ نه در چیزهایی که بیمار به آن گرایش دارد و آن را پیشنهاد می دهد. متوجه باشید و کار خدا را به او واگذارید که در این صورت از رستگاران خواهید بود.

۴. أَكثَرُ مَا تَلَجُّ بِهٖ أُمَّتِي النَّارَ، الْاِجْوَفَانَ، الْبَطْنَ وَ الْفَرْجَ. (۲)

دو عاملی که بیش تر از همه باعث ورود امت من به آتش دوزخ می گردد، گناهان شکم و شهوت جنسی است.

۵. ثَلَاثٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ مُضِلَّاتُ الْفِتَنِ وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ. (۳)

پس از خودم، از خطر سه چیز در امتم بیم دارم: خطر گمراهی پس از شناختن حق؛ خطر فتنه ها و آشوب هایی که باعث گمراهی می شود و خطر شهوت ها و خواست های شکمی و جنسی.

بر اساس همین خطرناکی و آسیب پذیری غریزه و شهوت جنسی، در آموزه های دین اسلام به زن و مرد توصیه شده که اندام های جنسی خود را از گناهان حفظ کنند. «وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ» (احزاب: ۳۵). همچنین از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز سخنان حکمت آمیز فراوانی درباره پیامدهای منفی زیاده روی در شهوت ها ذکر شده که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- [۱]. جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۳۱۳، به نقل از مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲- [۲]. کلینی، الأصول من الکافی، ج ۲، باب العفه، ص ۷۹، ح ۵.

۳- [۳]. همان، ح ۶.

۶. «أول الشهوة طربٌ و آخرها عطبٌ»<sup>(۱)</sup>؛ آغاز شهوت، شادی و خوشی و آخر آن، خستگی و هلاکت است.

۷. «الانقياد للشهوة (من) ادواء الداء»<sup>(۲)</sup>؛ تسلیم شهوت شدن، بدترین دردهاست.

۸. «مَنْ تَسَرَّعَ إِلَى الشَّهَوَاتِ تَسَرَّعَ إِلَيْهِ الْآفَاتُ»<sup>(۳)</sup>؛ هر کسی به سوی خواهش های نفسانی سرعت گیرد، به سوی آفت ها گام برداشته است.

۹. أعداء عدوٍّ للمرءِ لغمزِهِ و شهوتهِ فَمَنْ مَلَكَهُمَا عَظُمَتْ دَرَجَتُهُ»<sup>(۴)</sup>؛ غضب و شهوت، سخت ترین دشمنان انسان هستند. پس فردی که آن دو را کنترل کند و مالک آن دو گردد، مقام و درجه اش بزرگ می گردد.

افزون بر واژه «شهوت» که در آیات و روایات بر آسیب زایی غریزه جنسی دلالت می کند، واژه «عورت» نیز در متون دینی بیانگر آسیب زایی غریزه جنسی است. گرچه برای این واژه در کتاب های لغت معانی مختلفی آورده اند. برای مثال، عورت در مورد اندام جنسی زن و مرد و همچنین برای تمام اندام زن به کار رفته است، ولی همان گونه که از ظاهر برخی آیات قرآن مانند آیه «يقولون إن بيوتنا عورة و ما هي بعورة؛ می گویند خانه هایمان بی حفاظ است و حال آن که خانه هاشان بی حفاظ نیست». (احزاب: ۱۴) و نیز از سخن فیومی در مصباح المنیر و ابن منظور در لسان العرب برمی آید،<sup>(۵)</sup> عورت به معنای چیزی است که در اثر نداشتن حفاظ و پوشش آسیب پذیر باشد. به نظر می رسد

سبب استعمال این واژه در لغت و متون دینی در مورد اندام جنسی نیز این است که اندام جنسی

ص: ۲۰

۱- [۱]. آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۰۶.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. همان.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. «کل شی یستره الأنسان انفه و حیاء فهو عوره و النساء عوره و العوره فی الثغر و الحرب خلل یخاف منه». فیومی، المصباح المنیر، العوره: الخلل فی الثغر و غیره، ابن منظور، لسان العرب، واژه عورت.

در اثر نبود مراقبت و محافظت می تواند منشأ آسیب های گوناگون دینی، اخلاقی، حیثیتی و اجتماعی در انسان گردد. (۱) با توجه به این که زنان به دلیل ظرافت و لطافت جسمی و روحی در معرض آسیب های بیش تری هستند، علت کاربرد واژه عورت در برخی روایات در مورد زنان (۲) این است که آنان، نسبت به مردان در معرض آسیب پذیری بیش تری هستند.

البته روشن است بیش تر بودن احتمال آسیب پذیری نسبت به یک جنس خاص یا یک برهه خاص از عمر مثل جوانی، احتمال آسیب پذیری در دیگر موارد را نفی نمی کند. بنابراین، احتمال آسیب زایی غریزه جنسی برای همه افراد، اعم از زن و مرد و در همه دوران عمر، با شدت و ضعف هایی به تناسب موارد وجود دارد. به هر حال چون یکی از مهم ترین اهداف دین اسلام، رشد و تربیت جامع و کامل فرد در ابعاد مختلف جسمی،

روحي، اخلاقي، عقلائي، سياسي، اجتماعي و جنسي است و با توجه به تأثیر تربیت جنسي در تحقق تربیت جامع، طبيعي است که اسلام برای تربیت جنسي انسان، طرح و برنامه مشخص داشته باشد.

يکي از مهم ترين تدابير اساسي اسلام برای در امان ماندن از آسیب های غريزه جنسي، تشریح و وضع قوانین متناسب و هماهنگ با ویژگی های طبيعي و تکوينی انسان در دوران مختلف زندگی است. البته هماهنگی بين ویژگی های تکوينی انسان و قوانین تشریعی اسلام، جلوه های گوناگونی دارد که یکی از برجسته ترين آن ها، در ازدواج بروز می یابد؛ زیرا هم زمان با بلوغ و ظهور فعالیت غده های جنسي و به دست آوردن توانایی برای تشکیل زندگی مشترک، در احکام تشریعی اسلام نیز فراوان به ازدواج سفارش شده

ص: ۲۱

۱- [۱]. برای آگاهی بیش تر در مورد معنای عورت نک: حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۶ ذیل واژه عورت؛ محمد مهدی شمس الدین، مسائل حرجه فی فقه المرأه الکتاب الاول «الستر و النظر»، ص ۱۸۵؛ استاد مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۴۴.

۲- [۲]. عن النبی صلی الله علیه و آله: النساء عی و عوره، فروع کافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

است. پیش تر، شواهد گوناگونی از متون قرآنی و حدیثی بیان گردید. بنابراین از نظر اسلام، ازدواج در جلوگیری و مهار زیاده روی های غريزه جنسي، نخستین، طبيعي ترین و بهترین گزینه برای پیش گیری از آسیب زایی آن است.



استاد شهید مرتضی مطهری در این باره سخن دقیق و جالب توجهی دارند. ایشان می فرمایند:

به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوایج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد، ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد. این که اجتماع به وسایل مختلف سمعی و بصری و لمسی، موجبات هیجان غریزه را فراهم کند و آن گاه بخواهد با ارضاء، غریزه دیوانه شده را آرام کند، میسر نخواهد بود. هرگز بدین وسیله نمی توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افروده می شود. تحریک و تهییج بی حساب غریزه جنسی، عوارض وخیم دیگری نظیر بلوغ های زودرس و پیری و فرسودگی نیز دارد. (۱)

افزون بر ازدواج، در آموزه های دینی اسلام، راه کارهای فراوان دیگری نیز برای مهار غریزه جنسی ارائه گردیده است که همانند ازدواج، هماهنگی بین ویژگی های تکوینی انسان و قوانین تشریحی اسلام در آن ها لحاظ شده است.

برای مثال، امروزه دانشمندان دریافته اند که بین ۶ تا ۱۲ سالگی، پیشرفت کودکان از لحاظ جنسی متوقف می ماند. دانشمندان پسیکولوژی (روان تحلیل گری) این دوره را، دوران اختفا می نامند. پس همگام با این ویژگی تکوینی، در بعد تشریحی نیز خداوند

۱- [۱]. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۲۰.

اختلافی غریزه جنسی را در دستورهای دینی رعایت کرده (۱) و با روش های عملی، امکان مخفی ماندن گرایش جنسی را از همان سنین کودکی در انسان فراهم آورده است. (۲)

گرچه توصیه های دینی درباره مخفی ماندن غریزه جنسی، دوران های مختلف زندگی را در بر می گیرد، ولی این توصیه ها، به تناسب تفاوت ویژگی های تکوینی انسان گوناگون هستند. برای مثال، چون زنان به گونه ای آفریده شده اند که به طور فطری تمایل بیش تری به خود آرایی و خودنمایی دارند، برای پیش گیری از آسیب زایی غریزه جنسی، زنان در مقایسه با مردان به رعایت حجاب و پوشش بیش تر سفارش شده اند و چون مردان به گونه ای خلق شده اند که در مقابل محرک های چشمی حساسیت بیش تری دارند، در مقایسه با زنان به کنترل چشم و نگاه بیش تر توصیه شده اند. (۳)

به هر حال، آموزه ها و راه کارهای اسلام برای مهار غریزه جنسی و پیش گیری از آسیب زایی آن بسیار گسترده است. طبیعی است که به تناسب موارد، دوران ها و اصناف خاص، آموزه ها و راه کارهای پوششی اسلام برای مهار غریزه جنسی شدت و ضعف هایی داشته باشد که در اثر حاضر، با برخی از مهم ترین جلوه های آن آشنا خواهیم شد. البته پیش از آوردن جلوه های تأثیر پوشش های اسلامی در مهار غریزه جنسی، نخست باید مفهوم پوشش اسلامی و برخی مصادیق آن را توضیح دهیم.

ص: ۲۳

۱- [۱]. در مباحث آینده، با این دستورها آشنا خواهیم شد.

۲- [۲]. محمد تقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، صص ۳۶۵ \_ ۳۶۶. با گزینش.

۳- [۳]. این مطلب با دقت در آیات و روایات مربوط به پوشش و نگاه به روشنی آشکار می گردد؛ زیرا در بیش تر موارد، مخاطب آیات و روایات مربوط به ستر و پوشش، بانوان هستند و مخاطب آیات و روایات مربوط به نظر و نگاه، بیش تر مردان هستند.

## ۲- مفهوم پوشش اسلامی و برخی مصادیق مهم آن

در فرهنگ اسلامی درباره پوشش مادی و معنوی، واژه هایی مانند لباس، (۱) ستر، (۲) حجاب، (۳) ثوب، (۴) کساء، (۵) موارات (۶) و غیره به کار رفته است.

ص: ۲۴

۱- [۱]. الف) ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوآتھما (اعراف: ۲۷). شیطان جامه عزّت از تن آدم و حوا بر کند تا قبیح و زشتی های آنان را در نظرشان پدید آورد. ب) من تعری من لباس التقوی لم یستتر بشیء من اللباس (میزان الحکمه، واژه تقوی، ج ۱۰، ص ۶۲۴). هر فردی که از لباس و پوشش تقوا عاری و برهنه باشد، با هیچ گونه لباس دیگری پوشیده نمی گردد.

۲- [۲]. الف) و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الدّین لا یؤمنون بالآخره حجابا مستورا (اسراء: ۴۵). و چون تو قرآن را تلاوت کنی، ما میان تو و آن ها که به قیامت ایمان ندارند، حجابی قرار دهیم که آن ها از فهم حقایق آن مستور بمانند. ب) اتخذوا السراویلات فانها من استر ثیابکم (میزان الحکمه، واژه حجاب، ج ۲، ص ۲۵۹). از شلوارها استفاده کنید، زیرا آن ها از پوشنده ترین لباس ها هستند.

۳- [۳]. الف) و اذا سألتموهنّ متاعاً فسلوهنّ من وراء حجاب (احزاب: ۵۳) و هرگاه از زنان رسول چیزی می طلبید، از پس پرده و حجاب بخواهید. ب) حرّم النظر الی شعور النساء المحجوبات (وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۰۴، ص ۱۴۰) نگاه کردن به موهای زنان با حجاب تحریم شده است.

۴- [۴]. الف) حین تضعون ثيابکم (نور: ۵۹) و هنگامی که جامه ها را از تن بر می گیرید. ب) لا ینبغی للمرأة أن تجمر ثوبها اذا خرجت من بیتها (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۹) برای زن سزاوار نیست هنگامی که از خانه خارج می شود، لباس خود را معطرّ و خوش بو کند. ۵- [۵]. الف) و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف (بقره: ۲۳۳) و به عهده صاحب فرزند (پدر) است که خوراک و لباس مادر را به حدّ متعارف بدهد. ب) من کساء الحیا ثوبه خفی علی الناس عیبه (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۷). هر فردی که لباس حیا پوشیده باشد، عییش از مردم مخفی می ماند.

۶- [۶]. الف) فبعث الله غرابا یبحث فی الأرض لیریه کیف یواری سواه أخیه (مائده: ۳۱) آن گاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال گود کند تا به او بنماید که چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان سازد. ب) لا یصلح للمرأة المسلمه ان تلبس من الخمر و الدروع ما لا یواری شیئا (وسائل الشیعه، ج ۳، ابواب لباس مصلی، باب ۲۱، ص ۲۸۱) برای زن مسلمان شایسته نیست که از مقنعه ها و پیراهن هایی استفاده کند که بدن را نمی پوشانند.

افزون بر این واژه های عام، از واژه های خاصی که بیان کننده نوع ویژه ای از پوشش هستند، در متون دینی اسلام استفاده شده است. برای مثال، خمار (۱) و جلباب (۲) از جمله پوشش های بانوان هستند که در قرآن و احادیث، زنان به استفاده از آن ها توصیه شده اند.

البته در فرهنگ اسلامی، گاهی نیز بدون این که از واژه های عام و خاص بالا استفاده گردد، به حجاب و پوشش اعضا و جوارح ظاهری بدن توصیه شده است. برای مثال، زنان از خودنمایی بر حذر داشته شده اند:

«وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودنمایی مکنید». (احزاب: ۳۳)

همچنین زنان از نمایش زینت به افراد نامحرم نهی شده اند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؛ و زینت و جمال خود را جز برای شوهران آشکار ن سازند». (نور: ۳۱)، «وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ (نور: ۳۱) و آن گونه پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهای شان معلوم شود».

افزون بر حجاب و پوشش یاد شده که می توان آن را حجاب و پوشش رفتاری، یعنی حجاب در رفت و آمد نامید، نوع دیگری از حجاب و پوشش که می توان آن را حجاب

ص: ۲۵

۱- [۱]. الف) و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن (نور: ۳۱). و باید سینه و برودوش خود را به مقنعه پوشانند. ب) لا يجوز للمرأة أن تصلي بغير خمار (بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۱۲۷) برای زن جایز نیست که بدون مقنعه و پوشش سر، نماز بخواند.

۲- [۲]. الف) يا أيها النبي قل لأزواجك و بناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن (احزاب: ۵۹) ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند. ب) لائت (فاطمه علیها السلام) خمارها علی رأسها و اشملت

بجلبابها (احتجاج، ص ۹۸) فاطمه زهرا علیها السلام (هنگام آمدن به مسجد برای دفاع از فدک) مقنعه خویش را بر سر محکم کرد و جلباب و چادری فراگیر پوشید.

و پوشش گفتاری زنان نامید، در قرآن سفارش شده است:

«فلا تخضعن بالقول فیطمع الّذی فی قلبه مرض؛ پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید، مبادا آن که دلش بیمار هوا و هوس است، به طمع افتد». (احزاب: ۳۳)

در فرهنگ قرآن و حدیث، افزون بر انواع حجاب ظاهری و جسمانی یاد شده، مصادیق مختلفی از حجاب و پوشش های باطنی و روحانی نیز بیان شده که به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می کنیم.

قرآن مجید خطاب به فرزندان آدم، تقوا را به عنوان یک نوع لباس و پوشش باطنی معرفی کرده است.

یا بنی آدمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ. (اعراف: ۲۶).

ای فرزندان آدم! ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه های زیبا و نرم برای شما فرستادیم و بر شما باد به لباس تقوا که این نیکوترین جامه شماست.

به نظر می رسد چون تقوا و عفاف، دارای عنصر مشترک بازداشتن نفس و کنترل خویش در مقابل گناه هستند، در تفسیر قمی، لباس تقوا در این آیه به عفاف تفسیر شده است. (۱)

افزون بر آیه بالا، در حدیثی از امیر مؤمنان امام علی علیه السلام نقل شده است:

«تَوْبُ التَّقَى أَشْرَفُ الْمَلَابِسِ؛ (۲) جامه تقوا و خویشتن داری برترین لباس هاست».

حضرت در روایت دیگری، پس از دستور به تقوا اندوزی، آن را پوششی بین انسان و محرّمات الهی دانسته است:

«إِتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التُّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَ إِنْ رَقَّ؛ (۳)

ص: ۲۶

۱- [۱]. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۶ ذیل آیه مذکور.

۲- [۲]. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۷۰.

۳- [۳]. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۲.

تقوای الهی پیشه نما اگر چه میزان آن کم باشد. بین خود و محرّمات الهی ستر و پوششی قرا ده، اگر چه نازک باشد».

همچنین در فرهنگ قرآن، زن و شوهر نسبت به یکدیگر لباس نامیده شده اند:

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ (بقره: ۱۸۷)  
حلال شد برای شما در شب های ماه رمضان مباشرت با زنان خود که آن ها جامه ستر و عفاف شما هستند و شما نیز لباس عفت آن ها هستید.

از این آیه برمی آید پاک دامنی بر آمده از عقد ازدواجی که باعث محرم شدن زن و مرد به یکدیگر می گردد، چونان پرده و پوششی باطنی در مقابل انحراف و گناهان جنسی عمل می کند. پس اگر ازدواج با همه شرایط اسلامی تحقق یابد، باعث عفت و پاک دامنی زن و مرد در مقابل لغزش ها و گناهان ناشی از غریزه جنسی می گردد. (۱)

افزون بر واژه های تقوا و غفت، گاه در متون دینی از واژه های ورع و حیا نیز به عنوان لباس و پوشش های باطنی یاد شده است. برای مثال، در روایتی از امیرمؤمنان امام علی علیه السلام نقل شده است:

«أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ؛ ورع نیکوترین لباس و پوشش است.» (۲)

در روایت دیگری از حضرت نقل شده است:

أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدِّينِ الْحَيَاءُ؛ حیا و شرم، نیکوترین لباس و پوشش های دینی است.

با توجه به آنچه گذشت چند نکته را در مفهوم شناسی موضوع بحث یاد آور

ص: ۲۷

۱- [۱]. تشبیه رابطه همسری به لباس، یکی از زیباترین و جامع ترین تشبیه های قرآنی است. برای آگاهی از حکمت این تشبیه و برخی از راز و رمزهای آن، به کتاب های تفسیر در ذیل آیه مذکور و کتاب روان شناسی خانواده همسران برتر، ص ۴۵ از آقای دکتر غلامعلی افروز مراجعه شود.

۲- [۲]. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۷۰. ورع در احادیث به معنای صبر و پایداری در مقابل گناه است.

۳- [۳]. همان، ص ۲۵۷.

می شویم.



۱. مراد از «پوشش اسلامی» در این اثر، پوششی است که قرآن و احادیث به عنوان دو منبع اصیل اسلام معرفی می کنند که اثر حاضر تلاش کرده در حد توان، به طور اجمالی برخی آیات و احادیث مرتبط با آن را طرح کند.

۲. از آن جا که در یک نگاه کلی، می توان برای انسان دو ساحت وجودی جسم و روح یا دو بعد ظاهری و باطنی قایل شد، دو نوع پوشش ظاهری و باطنی نیز وجود دارد که انسان توسط آن دو، ظاهر و باطن خود را می پوشاند.

گرچه مقوله پوشش تحت تأثیر عوامل مختلفی هم چون عوامل زمانی، مکانی، جغرافیایی، قومی، فیزیکی و فرهنگی است، ولی چون پوشش بیش تر مقوله ای فرهنگی است، به طور طبیعی بیش تر از عوامل فرهنگی تأثیر می پذیرد. پس چون یکی از عوامل مهم فرهنگی و فرهنگ ساز، دین و اعتقادات دینی است، در آموزه های وحیانی اسلام، به مسئله پوشش توجه زیادی شده است. این توجه عام و گسترده است؛ به گونه ای که شامل پوشش های ظاهری و باطنی هر دو می گردد. ممکن است پرسیده شود که چرا به رغم این که دین و دین داری از اساس مقوله ای روحی و معنوی است، در آموزه های دینی اسلام به پوشش های ظاهری نیز عنایت شده و درباره آن ها راه کارهایی ارائه شده است! پاسخ این است که گرچه دین و دین داری مقوله ای روحی و معنوی است، ولی رسالت اصلی دین تربیت انسان است و یکی از ویژگی های عمومی انسان هم که در تربیت او تأثیر دارد، این است که ظاهر و باطن او در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. (۱)

در حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام به این مطلب تصریح شده است:

وَاعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنًا عَلِيٌّ مِثَالَهُ فَمَا ظَاهِرُهُ ظَابٌ بَاطِنُهُ وَ مَا خَبْتٌ

۱- [۱]. برای آگاهی بیش تر از نحوه تأثیر و تأثر ظاهر و باطن در یکدیگر نک: خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، بحث مبنای تربیتی «تأثیر ظاهر بر باطن» ص ۶۶ و مبنای تربیتی «تأثیر باطن بر ظاهر» ص ۷۳.

ظَاهِرُهُ خَبَثٌ بَاطِنُهُ وَ قَدْ قَالَ الرَّسُولُ الصَّادِقُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ وَ يُبْغِضُ عَمَلَهُ وَ يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُبْغِضُ بَدَنَهُ. (۱)

و بدان که هر ظاهری باطنی متناسب با خود دارد. آن چه ظاهرش پاکیزه است، باطن آن نیز پاک و پاکیزه خواهد بود و آن چه ظاهرش پلید باشد، باطنش نیز پلید است و پیامبر راستگو صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند بنده ای را دوست، ولی کردار او را دشمن می دارد و نیز کردار بنده ای را دوست، ولی شخص او را دشمن می دارد.

به همین دلیل، در آموزه های دینی اسلام نیز به چگونگی پوشش های ظاهری و باطنی هر دو توجه شده و هر دو پوشش برای تکامل و تعالی انسان لازم دانسته شده است.

۳. گرچه ممکن است عده ای بر اساس برخی احادیث پیشین که بر ارزش و اهمیت بیش تر پوشش های درونی و باطنی مثل تقوا و حیا دلالت می کند، پوشش های بیرونی و ظاهری را بی ارزش جلوه دهند و در مفید بودن آن ها تردید کند، ولی دقت در صیغه های أَفْعَلْ تفضیل موجود در این گونه روایات مثل «احسن» و «اشرف» به خوبی نشان می دهد که این تردید نارواست؛ زیرا این گونه احادیث، تنها در صدد بیان ارزش، شرافت و اهمیت بیش تر پوشش های درونی هستند. نیز صیغه های أَفْعَلْ تفضیل استعمال شده در این گونه احادیث این مطلب را تأکید می کند که پوشش های ظاهری هم مفید و دارای ارزش هستند، ولی در مقایسه با پوشش های باطنی ارزش کم تری دارند؛ نه این که از

اساس فاقد ارزش باشند. بهترین دلیل ارزشمندی و اهمیت پوشش های ظاهری، آیات و روایات دیگری است که در مباحث آینده به آن ها خواهیم پرداخت.

۴. از مطالب ذکر شده می توان نتیجه گرفت که پوشش اسلامی در این نوشته، معنایی گسترده دارد که شامل هر نوع حجاب و پوششی است که بین انسان و گناه یا زمینه و مقدمات آن مانع و فاصله ایجاد کند. خواه آن حجاب و مانع، پوشش های ظاهری و

ص: ۲۹

۱- [۱]. نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ص ۲۸۶.

معمولی، پوشاندن و حفظ اعضا و جوارح از راه مواظبت و کنترل، حجاب و پوشش های روحی و معنوی مثل تقوا، عفت و حیا با حصارها و فاصله های فیزیکی باشد که مربی بین مرتب و زمینه ها و مقدمات گناهان جنسی ایجاد می کند.

در اثر حاضر، برخی از پوشش های بالا را در ضمن دو نوع پوشش ظاهری و باطنی مورد بحث قرار خواهیم داد و از آن جایی که پوشش باطنی و معنوی، زیر بنای پوشش ظاهری است و شرافت و ارزش بیش تری دارد، نخست درباره آن بحث می کنیم.

ص: ۳۰

**بخش دوم: جلوه های باطنی و ظاهری پوشش اسلامی**

**اشاره**

ص: ۳۱

## فصل اول: برخی جلوه های باطنی تأثیر پوشش اسلامی

### اشاره

در تعریفی گسترده، هر گونه لباس و پوششی که قابل مشاهده حسی و ظاهری نباشد، پوشش باطنی و معنوی نام دارد. برای مثال، مقولاتی مثل عفت، حیا و دین (۱) از مهم ترین مصادیق لباس ها و پوشش های معنوی هستند. البته طبیعی است که پوشش های معنوی مذکور، همانند اوصاف باطنی دیگر، آثار و نشانه های ظاهری و بیرونی دارند.

از برخی آیات و روایات مربوط به پوشش های معنوی استفاده می شود که این گونه پوشش های باطنی نیز همانند پوشش های ظاهری، در مهار غریزه جنسی و پیش گیری از آسیب زایی غریزه جنسی مؤثر هستند که به طور اختصار درباره برخی از جلوه های تأثیر آن ها بحث می شود.

### ۱- عفت

از جلوه های برجسته پوشش معنوی و باطنی عفت است. (۲) یکی از علت های پیدایش عفت، التزام به حجاب و پوشش ظاهری بیش تر است. این مطلب با دقت در ابتدا و انتهای این آیه شریفه فهمیده می شود:

ص: ۳۲

---

۱- [۱]. آن چه از مفاهیم مذکور در این اثر مورد نیاز و توجه است، این است که تمام مفاهیم یاد شده در این که پوشش معنوی هستند، مشترک می باشند و اما تعریف دقیق

هر یک از این مفاهیم و تعیین نسبت و رابطه آن‌ها با یکدیگر بحث گسترده‌ای را می‌طلبد که خود نیازمند نوشتار مستقلی است.

۲- [۲]. برای آگاهی بیش‌تر درباره عفت و اقسام آن، نک: حسن عرفان «عفت در اندیشه گفتار و رفتار» مجله حدیث زندگی، ش ۶، ص ۱۰. همچنین همان، ص ۴۹. مصاحبه با دکتر حسین اسکندری درباره معنای اصطلاحی عفاف در علم روان‌شناسی. نیز نک: علیرضا نوری «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن» نشریه اندیشه صادق، ش ۸ و ۹، ص ۱۲۲.

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ. (نور: ۶۰)

و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند؛ و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است. خداوند در این آیه، نخست به پیر زنان می‌فرماید که بدون قصد خودنمایی، مجازند از برخی پوشش‌های رویی بدن مثل جلباب و چادر استفاده نکنند، ولی در ادامه می‌گوید: حتی اگر همین زنان سال‌مند نیز از این گونه حجاب‌ها استفاده کنند و عفت بورزند، برای ایشان بهتر است.

در روایت معروف جنود عقل و جهل، عفت متضاد با تهتك ذکر شده است. «العفه و ضدّها التّهتك» (۱) و تهتك در لغت به معنای پرده‌داری آمده است. (۲) بنابراین، به قرینه تقابل و تضاد، می‌توان گفت عفت به معنای پرده‌پوشی است.

عفت جلوه‌ها و قلمروهای گوناگونی دارد که می‌توان همه آن‌ها را در سه نوع گردآوری کرد: ۱. عفت در اندیشه؛ ۲. عفت در گفتار؛ ۳. عفت در رفتار.

چون پوشش اسلامی رفتاری است که از یک فرد مسلمان سر می زند، به تناسب موضوع این نوشتار، به طور اختصار از عفت در رفتار سخن می گوئیم.

عفاف گرایی در رفتار، عرصه های گوناگونی زندگی فردی و اجتماعی را فرا می گیرد. مانند عفت در پوشش که گزینش جامه ای است که با هویت دینی، هنجارهای اخلاقی، شخصیت والای انسانی و ارزش های متعالی اجتماعی سازگار باشد. حوزه ارتباط های انسانی به نمایشگاهی از جلوه های بدنی و دوخت و دوز مد گرایانه تبدیل نشود، عرصه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جلوه گاه عریان نمایی های هوس انگیز و

ص: ۳۳

۱- [۱]. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۱، حدیث ۱۴.

۲- [۲]. هتک زید السترهتکا من باب ضرب خرقه، فیومی، المصباح المنیر، واژه هتک.

خرد سوز نگردد و به جای تجلی عقلانیت، دین ورزی، اخلاق پیشگی و انسانیت، حیوانیت لجام گسیخته به میدان نیاید.

یکی دیگر از ابعاد عفت رفتاری «عفت جنسی» است. عفت جنسی در فرهنگ اسلامی جلوه های متعددی دارد که برخی از مهم ترین آن ها عبارتند از:

\_\_ پرهیز از نگاه آلوده؛

\_\_ خلوت نکردن با نامحرم؛

\_\_ تماس بدنی نداشتن؛

\_\_ پرهیز از خود ارضایی و آمیزش نامشروع؛

\_\_ نداشتن تجلی تحریک آمیز در مجامع؛

\_\_ واسطه نشدن برای فحشا؛

\_\_ گریز از عوامل تحریک آمیز. (۱)

کتاب های روایی که احادیث ازدواج را مطرح کرده اند، باب ویژه ای با عنوان وجوب عفت ورزی و پاک دامنی دارند که در آن؛ احادیث فراوانی درباره عفت آمده است. (۲)

براساس حدیثی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام صبر و پایداری در مقابل خواسته های شهوانی عفت نامیده شده است: «الْصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عِفَّةٌ» (۳) پایداری و صبر در برابر شهوت نشانه عفت است»، در روایت دیگری، عفت ضعیف کننده امیال و گرایش های شهوانی دانسته شده است:

ص: ۳۴

۱- [۱]. عفت در اندیشه، گفتار و رفتار، مجله حدیث زندگی، شماره ۶، ص ۱۲. با گزینش.

۲- [۲]. برای نمونه، به دو کتاب روایی وسائل الشیعه الی مسائل الشریعه، کتاب النکاح ابواب النکاح المحرم، باب ۳۱، باب العفه و الورع و همچنین کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، کتاب النکاح، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۵، باب وجوب العفه و الورع مراجعه گردد.

۳- [۳]. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۴.

«العفه تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ» (۱) عفت ضعیف کننده شهوت است.»

چون دو نوع برجسته از شهوت‌ها و خواسته‌ها، شهوات و میل‌های مربوط به غریزه گرسنگی و غریزه جنسی است، در روایات نیز به دو نوع عفت شکمی و جنسی توصیه شده و انسان‌های برخوردار از این دو عفت و ستایش شده‌اند. در حدیثی از امام باقر علیه السلام برخوردار از انسان از عفت شکمی و جنسی، از برترین عبادت‌ها دانسته شده است:

«ما عبَدَ اللهُ بشيءٍ أفضلَ مِنْ عَفَّةِ بطنٍ و فرجٍ؛ (۲)

خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و عفت فرج عبادت نشده است».

در حدیث دیگری از آن حضرت، اجتهاد و کوشش در راه کسب عفت شکمی و جنسی، جزء برترین تلاش‌ها شمرده شده است: «ای الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج؛ (۳) کدام تلاش برتر از عفت شکم و عفت فرج است».

بی تردید هنگامی فهم معنای دقیق این گونه احادیث آشکار می‌گردد که بدانیم منشأ بسیاری از گناهان و کارهای خلاف، شهوات و امیال مربوط به شکم و غریزه جنسی است. اگر امیال مذکور از طریق عفت شکمی و جنسی کنترل و مهار شوند، به طور طبیعی زمینه بسیاری از گناهان نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا انسان در اثر پوشش باطنی عفت، به نوعی مصونیت درونی دست می‌یابد. در روایتی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام صیانت و حفاظت در مقابل گناه، به عنوان ثمره و نتیجه عفت ذکر شده است:

«ثمره العفه الصیانه؛ (۴) نتیجه عفت ورزی مصونیت در برابر گناه است».

به دلیل همین ویژگی‌ها بازدارندگی و مصونیت بخشی پوشش درونی عفت در مقابل تحریک غریزه جنسی، قرآن مجید به افرادی که در اثر مشکلات قادر به ازدواج نیستند



۱- [۱]. میزان الحکمه، واژه عفت.

۲- [۲]. الاصول من الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب العفه، ص ۷۹، روایت ۱ و همچنین روایت ۷ و ۸.

۳- [۳]. همان، روایت ۴.

۴- [۴]. میزان الحکمه، واژه عفت.

دستور عفت ورزی می دهد.

«وَلَيْسَتْ عَفْوَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا؛ و آنان که امکان ازدواج نیابند، باید عفت نفس پیشه کنند». (نور: ۳۳)

اگر چه مقوله عفت به هر دو جنس زن و مرد اختصاص دارد، ولی به نظر می رسد با توجه به حس و غریزه، خودنمایی بانوان و فراهم بودن مقتضی و زمینه تحریک غریزه جنسی به وسیله یاد شده، می توان گفت عفت ورزی بانوان، نقش مهم تری در سلامت اجتماع در مقابل مفاسد جنسی دارد.

متسکیو می گوید: «از دست رفتن عفت زنان، به قدری تأثیرات بد و معایب و نواقص تولید می کند و روح مردم را فاسد می سازد که اگر کشور دچار آن شود، بدبختی زیادی از آن ناشی می گردد. به همین جهت، قانون گذاران همواره عفت را به زنان توصیه می کنند و از آن ها وقار و رعایت موازین اخلاقی توقع دارند».<sup>(۱)</sup>

حال اگر سؤال شود که سبب و منشأ حجاب روحی و پوشش معنوی عفت چیست؟ پاسخ این سؤال در روایات معصومان علیهم السلام آمده است. در برخی روایات از حیا به عنوان سبب و منشأ عفت نام برده شده است. از امیرمؤمنان نقل شده است «سبب العفه

الحیاء» (۲) در روایت دیگری از ایشان مقدار عفت ورزی و پاک دامنی انسان به مقدار حیای او مرتبط شده است: «علی قدر الحیاء تكون العفه» (۳).

## ۲- حیا

در برخی روایات واژه هایی مانند لباس، ستر، حجاب، کساء، و ثوب به حیا نسبت

ص: ۳۶

۱- [۱]. هاشمی رکاوندی، مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۱۹۸ به نقل از روح القوانین، ص ۲۲۶.

۲- [۲]. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۷.

۳- [۳]. همان، ص ۲۵۶.

داده شده است. مانند: «احسن ملابس الدین الحیاء؛ (۱) شرم از بهترین پوشش های دینی است».

الحیاء لباس سابغ و حجاب مانع و ستر من المساوی واق و حلیف للدين و موجب للمحبه و عین کالته تذود عن الفساد و تنهی عن الفحشا. (۲)

شرم و حیا، جامه ای است در برگیرنده و حجابی است بازدارنده (از گناه) و پوششی است نگاه دارنده از بدی ها. حیا، گوهری است همراه با دین، بر انگیزنده مهر و محبت و چشمی است مراقب و از بین برنده فساد و تباهی و بازدارنده از فحشا و زشتی هاست.

«من كساه الحیاء ثوبه لم ير الناس عیبه؛ (۳) کسی که او را جامه حیا بپوشاند؛ مردم عیب او را نبینند».

از این گونه روایات برمی آید که حیا نیز مانند عفت، پوشش و لباس باطنی و معنوی است. البته اثر این پوشش معنوی در اعمال و کارهای ظاهری حتی مثل راه رفتن نیز بروز می نماید. برای مثال، قرآن چگونگی راه رفتن دختر شعیب را همراه با شرم و حیا توصیف کرده است:

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ؛ موسى دید که یکی از آن دو دختر، با کمال حیا باز آمد». (قصص: ۲۵).

در برخی احادیث، نقش بازدارندگی لباس باطنی حیا در برابر گناهان و مفساد جنسی مورد تأکید قرار گرفته است. در حدیث مفصّلی از امام صادق علیه السلام که به توحید مفصّل معروف است، نقل شده است:

فانّ من الناس من لولا الحياء، لم يرع حق والديه و لم يصل ذارحم و لم يودّ

ص: ۳۷

۱- [۱]. همان، ص ۲۵۷.

۲- [۲]. ناظم زاده قمی، جلوه های حکمت گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام، صص ۱۹۹ \_ ۲۰۰.

۳- [۳]. همان.

امانه و لم يعف عن فاحشه. (۱)

اگر خداوند شرم و حیا را در انسان قرار نمی داد، برخی از افراد حق والدین را رعایت نمی کردند، صله رحم به جا نمی آوردند، امانت را به صاحب آن ردّ نمی کردند و همچنین از کارهای زشت و قبیح مثل زنا باز نمی ایستادند.

در روایتی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

حیاؤه (المؤمن) یعلو شهوته. (۲)

از ویژگی های انسان مؤمن، تسلط و برتری حیا و شرم او نسبت به شهوتش می باشد.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام انسان فاقد حیا و شرم بی ایمان معرفی شده است: «لا ایمان لمن لا حیاء له؛ (۳) کسی که حیا ندارد ایمان ندارد».

گرچه شرم و حیا همانند ایمان امری اکتسابی است، ولی اکتسابی بودن آن، نفی کننده ریشه های عمیق فطری آن نیست. یکی از روان شناسان جنسی درباره ریشه های فطری حیا و شرم گفته است:

«علاوه بر مردم شناسی، تجزیه و تحلیل روان شناسی نیز ثابت می کند که احساس شرم یکی از صفات عمده نوع بشر است. هیچ قبیله اولیه ای هر قدر هم بدوی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود شرم بروز ندهد و بچه های کوچک نیز شرم دارند... ادعای پیشرفت و مدرنیزم خرجه ای بر تن بی خبری از ارزش های اساسی است و شرم، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است. مثلاً نهضت اعتقاد به لختی، نمونه وحشتناکی از این ادعاست». (۴)

ص: ۳۸

۱- [۱]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۱.

۲- [۲]. الاصول من الکافی، ج ۲، باب المؤمن و علاماته و صفاته، ص ۲۳۰، روایت ۱.

۳- [۳]. همان، باب الحیاء، ص ۱۰۶، ح ۵.

۴- [۴]. حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۸ \_ ۶۹ به نقل از پروفیسور اسوالد شوارتز طیب و روان شناس اتریشی، در روان شناسی جنسی، ص ۷۰ \_ ۷۱.

امروزه روان شناسان تربیت جنسی درباره اهمیت حیا و شرم و تربیت و تقویت آن از خردسالی در کودکان و تأثیر آن در مصونیت بخشی آن ها در برابر انحراف جنسی، سخنان بسیار قابل توجه ای دارند. کوچتکف یکی از کارشناسان روان شناسی و تربیت جنسی می گوید:

«تربیت جنسی در محیط خانواده، به وسیله ایجاد کم رویی (حیا و شرم) در کودکان اعم از دختر یا پسر شروع می شود. کم رویی، خصوصیت مهمی از سیمای اخلاقی انسان است و عبارت از مهارت در نگه داری خویشان در اجتماع به صورت شایسته و متواضع و خود دار و متحمل است. کم رویی، پایه عفت و پاک دامنی است. کم رویی، در گفتار و کردار و در طرز لباس پوشیدن و رفتار و حرکات ظاهر می شود. پرورش این خصوصیت مهم را باید خیلی پیش ترها شروع کرد و برای این منظور، لازم است شرایط مساعدی را در خانواده به وجود آورد.<sup>(۱)</sup>

کوچتکف در ادامه، درباره تأثیر منفی بی احتیاطی های پدران و مادران در از دست رفتن احساس شرم و حیا در فرزندان می گوید:

«متأسفانه در وهله اول، همه پدران و مادران اهمیت لازم را به آن نمی دهند و در صورت ظاهر مانند یک چیز بی اهمیت به حساب می آورند، مادر در حیرت فرو می رود که چرا پسر چهار ساله اش آن قدر دقیق و خیره به او نگاه می کند، و لی جای تعجب نیست. شما به سیمای خارجی این زن نگاه کنید. رب دو شامبر<sup>(۲)</sup> او تا نیمه باز است و قسمت پیشین دکمه ها خراب شده و از آن جا سینه هایش کاملاً عریان دیده می شود و پدر نیز

در بستن دکمه های شلوار خانگی اش لاقید است. ببینید این پدر و مادرها می گویند: تو خونه ایم دیگه و تو خونه هم خودمونیم، ولی کودکان با ملاحظه این وضع، از همان ایام

ص: ۳۹

۱- [۱]. و. د. کوچتکف، روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، مترجم: محمد تقی زاده، ص ۳۳.

۲- [۲]. نوعی لباس خارجی.

طفولیت بی قید می شوند و احساس شرم را از دست می دهند. (۱)

بررسی موارد انحراف کودکان و نوجوانان نشان می دهد منشأ بسیاری از انحراف ها، همین بی احتیاطی های پدران و مادران است. افزون بر احتیاط های پدر و مادر و رعایت شرم و حیا در روابط جنسی، باید خود کودکان را نیز با حیا تربیت کرد؛ به گونه ای که در پوشاندن بدن و آلت تناسلی و پاهای خود جدیت کنند و از ظهور آن ها احساس شرم کنند. (۲)

کوچتکف برخی از ضررهای نبود تربیت جنسی را که در اثر از دست رفتن احساس شرم و حیا به وجود می آیند، این گونه توضیح می دهد:

فقدان تربیت جنسی صحیح در خانواده، به عنوان نتیجه عدم کم رویی، احساسات آن ها را بیدار می کند و به زودی احساس جنسی زودرس به وجود می آید و اغلب به رفتار نسنجیده و اداشان می کند. پرورش حجب و کم رویی (حیا و شرم) را نباید کوچک و بی اهمیت شمرد. این جنبه جدی تربیت است. با تشکیل این صفت، احساس عمیق احترام

و عفت در برخورد با جنس مخالف آغاز می گردد... پرورش احساس عمیق احترام و عفت همان تربیت صحیح احساس جنسی است. (۳)

درباره منشأ و سبب حیا و شرم از روایات برمی آید که دین، منشأ برخورداری از حیاست. مثلاً در روایتی، انسان فاقد دین، فاقد شرم و حیا، دانسته شده است. «لا حیاء لمن لا دین له». (۴) از این رو، به تناسب، به طور اختصار درباره دین به عنوان پوشش معنوی دیگر بحث می کنیم.

ص: ۴۰

۱- [۱]. همان، صص ۳۳ \_ ۳۴.

۲- [۲]. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، صص ۶۳ \_ ۶۸.

۳- [۳]. روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، صص ۳۴ \_ ۳۶ \_ ۳۸.

۴- [۴]. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۵، واژه حیا.

### ۳- دین

از به کار رفتن واژه جلباب به همراه دین در برخی احادیث (۱) فهمیده می شود که دین نیز همانند جلباب و چادر، پوششی گسترده است، با این تفاوت که جلباب و چادر پوشش گسترده ظاهری، ولی دین پوشش گسترده معنوی و باطنی است. از برخی روایات استفاده می شود دین یکی از پوشش های معنوی و باطنی در مقابل گناهان مختلف، از جمله گناهان جنسی است. در حدیثی از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

صیر الدین جنه حیاتک (۲)؛ دین را سپر زندگی قرا ده.

بنابراین روایت، همان گونه که سپر در جنگ باعث حفظ حیات مادی و جسمانی انسان در مقابل آسیب هاست، دین نیز همانند یک سپر روحی و معنوی، نقش بازدارندگی و حفاظت در مقابل گناهان را ایفا می کند و این مدعا به آسانی با احادیث زیر از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام اثبات می گردد.

\_\_ «صِيَانَةُ الْمَرْءِ عَلَى قَدْرِ دِيَانَتِهِ (۳)؛ مصونیت انسان (در مقابل انحراف و آسیب ها) به اندازه دین داری اوست».

\_\_ «الَّذِينَ يُصَدُّ عَنِ الْمَحَارِمِ (۴)؛ دین از کارهای حرام و زشت باز می دارد».

\_\_ «أَدَيْنُ النَّاسِ مَنْ لَمْ تَفْسُدِ الشَّهْوَةَ دِينَهُ (۵)؛ دین دارترین مردم، فردی است که میل و خواهش نفسانی، دین او را فاسد و خراب نکرده باشد».

بر اساس برخی روایات، پوشش باطنی دین در مقایسه با دو پوشش باطنی عفت و حیا، از گستردگی بیش تری برخوردار است، به گونه ای که آن دو نیز تحت پوشش دین

ص: ۴۱

۱- [۱]. سترنی عنکم جلاباب الدین، نهج البلاغه، خطبه ۴، ص ۵۱.

۲- [۲]. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۵.

۳- [۳]. همان، ص ۸۶.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. همان.

جمع می شوند. از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده است که:



«ثَلَاثٌ هُنَّ جَمَاعُ الدِّينِ الْعَفَّةُ وَالْوَرَعُ وَالْحَيَاءُ»<sup>(۱)</sup>؛ سه چیز جمع کننده و گرد آورنده دین هستند: عفت، ورع، حیا».

با توجه به همین گستردگی پوشش معنوی و باطنی دین نسبت به دیگر پوشش ها، متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند، مؤثرترین روش برای پیش گیری از کج روی های برخاسته از میل جنسی و دیگر بزهکاری ها در سنین نوجوانی، پرورش و تقویت ایمان دینی است. تجربه نشان می دهد که در این سنین، هیچ عاملی به اندازه ایمان دینی قادر به کنترل و مهار نفس نیست. ایمان دینی، نیروی معنوی سرشاری را در درون نوجوان به وجود می آورد که به کمک آن می تواند مسیر پر فراز و نشیب این دوران را طی کند و در برابر مشکلات و محرومیت های خاص آن، از جمله محرومیت در ارضای میل جنسی با رغبت و خواست درونی ایستادگی کند.<sup>(۲)</sup>

یک نوجوان مؤمن در یک نظام فکری و عقیدتی که تربیت دینی صحیح و قوی به او اعطا می نماید، یاد می گیرد که چگونه احساسات مختلف و از جمله احساسات و غرایز جنسی خود را مهار کند.<sup>(۳)</sup>

قرآن کریم داستان حضرت یوسف، جوانی مؤمن را که در یک نظام فکری و عقیدتی الهی با تربیت دینی صحیح و قوی پرورش یافته است، به عنوان الگوی مقاومت جوان دین دار در برابر شعله های سرکش غریزه جنسی به نحو بسیار زیبا و بی بدیلی ترسیم کرده است تا دیگر جوانان نیز با الگو پذیری از یوسف صدیق، به کارآمدی تأثیر گرایش های دینی و مذهبی به عنوان یک سپر و پوشش قوی و مستحکم معنوی ایمان آورده و ببیند که چگونه ایمان دینی یوسف صدیق، او را در مقابل شعله های سرکش

۱- [۱]. همان، ص ۸۵.

۲- [۲]. محمد علی سادات، رفتار والدین با فرزندان، صص ۱۰۲ \_ ۱۰۳.

۳- [۳]. دنیای نوجوان، ص ۱۸۱.

شهوة جنسی زلیخا، مستحکم و پایدار ساخت و باعث نجات وی از آلودگی به گناه گردید. (۱) قرآن مجید می فرماید:

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ. (يوسف: ۲۳ \_ ۲۴).

یوسف در آن خانه ای که بود بدون آن که نظر بد و خیانت کند) بانوی خانه (به میل نفس) خود با او بنای مراوده گذاشت، درها را بست و یوسف را به خود دعوت کرد و اشاره کرد که من برای تو آماده ام. یوسف جواب داد: به خدا پناه می برم. خدا مرا مقامی منزّه و نیکو عطا کرده که خدا هرگز ستم کاران را رستگار نسازد. آن زن (از فرط میل با آن که از یوسف جواب رد و امتناع شنید) باز در وصل او اصرار و اهتمام کرد و اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق نگهبان یوسف نبود، او هم به میل طبیعی اهتمام می کرد، ولی ما میل او را از قصد بد و عمل زشت باز گردانیدیم که همانا او از بندگان معصوم و پاکیزه است.

نتیجه عفت، حیا و دین، مصادیقی از پوشش های معنوی و باطنی گسترده در مقابل همه گناهان، به ویژه گناهان جنسی هستند. این گونه پوشش ها، تأثیر بسیار مهمی در مهار غریزه جنسی دارند. از این رو، در آموزه های اسلامی قرآن و حدیث، تحصیل آن ها

فراوان مورد ترغیب قرار گرفته است. از آنجایی که این گونه پوشش های معنوی و باطنی به منزله اساس و ریشه پیدایش پوشش های بیرونی و ظاهری هستند، پس از بحث درباره

ص: ۴۳

۱- [۱]. برای آگاهی درباره جزئیات داستان یوسف و زلیخا، به کتاب های تفسیر ذیل سوره یوسف آیات ۲۳ \_ ۳۴ مراجعه شود. افزون بر کتاب های تفسیر، کتاب های تک نگاری و مستقلی نیز درباره داستان حضرت یوسف نوشته شده است مانند: الف) جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف، صالحی نجف آبادی. ب) یوسف قرآن، محسن قرائتی. آن ها، اکنون از جلوه های تأثیر پوشش اسلامی ظاهری در مهار غریزه جنسی بحث می کنیم.

ص: ۴۴

## فصل دوم: برخی جلوه های ظاهری تأثیر پوشش اسلامی

### اشاره

مفهوم پوشش ظاهری در عنوان بالا، هر گونه پوششی است که قابل مشاهده حسی باشد؛ خواه این گونه پوشش ایجابی باشد یا سلبی. مراد از پوشش ظاهری ایجابی آن است که به چنین پوششی در آموزه های دین اسلام سفارش شده است: مانند این که در قرآن به بانوان امر شده که از مصادیق حجاب و پوشش ظاهری برتر مثل جلیباب (۱) و خمار (۲) استفاده کنند.

مراد از پوشش ظاهری سلبی، پوششی است که از دیدگاه اسلام نامطلوب تلقی و از آن نهی شده است. در مجموع تمام پوشش های ظاهری، اعم از ایجابی و سلبی را می توان به دو نوع کلی پوشش های بدنی و محیطی تقسیم کرد. اکنون به اختصار درباره پوشش های بدنی و محیطی بحث می کنیم.

## ۱- پوشش های بدنی مطلوب و نامطلوب

### اشاره

پوششی که به هر شکلی با ظاهر بدن انسان مربوط است، پوشش بدنی نام دارد که شامل دو نوع پوشش های ایجابی و سلبی است. مراد از پوشش های بدنی ایجابی، پوشش هایی است که در آموزه های اسلامی به استفاده از آن ها، تشویق و ترغیب شده، از نظر اسلام پوشش هایی مطلوب هستند. مراد از پوشش های بدنی سلبی، پوشش هایی است

ص: ۴۵

---

۱- [۱]. «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن».

احزاب: ۵۹.

۲- [۲]. «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن».

نور: ۳۱.

که در آموزه های اسلامی استفاده از آن ها نهی شده است. پوشش های بدنی اعم از ایجابی و سلبی، مصادیق متعددی دارند که به طور اختصار درباره آن ها بحث خواهیم کرد.

البته پیش از بحث درباره مصادیق این گونه پوشش ها، توضیح یک نکته لازم است و آن این که اگر چه پوشش بیش تر بدن اعم از زن و مرد از نظر آموزه های اسلامی امری

مطلوب است، ولی در عین حال تردیدی نیست که از نظر اسلام پوشش بدن زنان در مقایسه با مردان بیش تر سفارش شده و در مقابل، پوشش و کنترل بخش خاصی از بدن یعنی چشم در مردان در مقایسه با زنان بیش تر توصیه شده است. به راستی چرا چنین است و فلسفه و حکمت احکام متفاوت پوشش در مورد زن و مرد چیست؟

شهید مطهری در پاسخ به پرسش بالا فرموده اند:

زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است. قهرا به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار ندهد، نه به مرد. لهذا با این که دستور پوشش (بیش تر) برای مردان مقرر نشده است، عملاً مردان پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می روند؛ زیرا گرایش مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است، نه به خودنمایی و برعکس گرایش زن بیش تر به خودنمایی است، نه به چشم چرانی. گرایش مرد به چشم چرانی، بیش تر زن را تحریک به خودنمایی می کند و گرایش به چشم چرانی، کم تر در زنان وجود دارد. (۱)

بنابر تحقیقاتی که در روان شناسی جنسی انجام شده، برخی از راز و رمزهای احکام متفاوت اسلام در مورد لزوم پوشش بیش تر بدن زنان و لزوم کنترل بیش تر نگاه در مردان تا حدودی آشکار شده است؛ زیرا زن و مرد به گونه ای متفاوت آفریده شده اند. مردان بالغ به محرک های بینایی شهوانی حساسیت بیش تر دارند... و زنان به محرک های لمسی حساسیت بیش تر دارند. (۲)

ص: ۴۶

۲- [۲]. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، صص ۶۳ \_ ۶۴ به نقل از «تفاوت های زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روان شناسی» دکتر محمود بهزاد، مجله نگین، ص ۱۳۴، ص ۲۴، تیرماه ۱۳۵۵.

«جنبه شهوانی زن از قید و بندهای متفاوتی نسبت به مرد برخوردار است... واکنش های شهوی که تنها در نتیجه مشاهده اشخاص غیر هم جنس حاصل می شود، در زنان خیلی کم تر از مردان است. برخی نسبت را یک به دو دانسته اند. نمایش های لختی عکس، تصویر و نقاشی، در زنان خیلی کم تر از مردان سبب تحریک شهوی می شود. برخی نسبت را یک به چهار دانسته اند. از یک لحاظ با توجه به نکات روان شناختی گفته شده و تفاوت های تکوینی زن و مرد، حکمت احکام متفاوت زن و مرد نسبت به تکلیف پوشش و نگاه تا حدودی آشکار می گردد. البته مقایسه تکلیف پوشش و نگاه روشن می سازد که رعایت حجاب و پوشش از سوی زنان، به مراتب آسان تر از رعایت وظیفه ترک نگاه حرام از سوی مردان است؛ زیرا وقتی لباس و پوشش در جای خود باشد، دم به دم و لحظه به لحظه به تصمیم نو و اقدام جدید نیاز ندارد، ولی در نگاه پیوسته باید چشم را کنترل کرد. وجه دیگر آسانی رعایت حجاب و پوشش نسبت به کنترل نگاه آن است که در حجاب و پوشش، با پوشیدن لباس وظیفه انجام می گیرد و همیشه آلودگی فکری به آن سرایت نمی کند، در حالی که در نگاه خطورات فکری و انگیزه های درونی بر حکم نگاه اثر می گذارد. (۱) با توجه به دو تفاوت ذکر شده برای مسئله پوشش و نگاه و سختی مسئله نگاه و آسانی مسئله پوشش، دیگر یک بانوی فهیم و دین دار نمی گوید من هر جور دلم خواست لباس می پوشم و این وظیفه نامحرم است که به من نگاه نکند.

اگر حجاب و پوشش \_ که رعایت آن آسان تر از کنترل نگاه به نامحرم است \_ به شکلی مناسب و شایسته از سوی بانوان صورت پذیرد و زنان به خودنمایی نپردازند، دیگر زمینه

زیادی برای چشم چرانی و تحریک جنسی فراهم نمی شود. از این رو، ما در اثر حاضر نخست مسئله حجاب و پوشش بدنی زنان را از جهت کارآمدی آن در مهار غریزه

ص: ۴۷

۱- [۱]. «رابطه پوشش و نگاه» مجله پیام زن، ش ۹۵، ص ۵ با اندکی دخل و تصرف.

جنسی مورد بحث قرار می دهیم. (۱)

بی تردید مقوله حجاب و پوشش، از جمله اموری است که کمیت، کیفیت و شدت و ضعف درباره آن قابل طرح است؛ به گونه ای که می توان آن را به حجاب خوب، بد حجابی و بی حجابی درجه بندی کرد. از برخی آیات و احادیث، مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر و برتر بانوان استفاده می شود که به چند مورد آن اشاره می شود.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ. (نور: ۶۱).

و زنان سال خورده که از ولادت و عادت باز نشسته و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست، اگر اظهار تجملات و زینت خود کنند که جامه های رویی خود را از تن نزد نامحرمان برگیرند و اگر باز هم عفت و تقوای بیش تر گزینند، بر آنان بهتر است.

آیه بالا نخست به زنان پیر اجازه می دهد بدون قصد خودنمایی لباس های رویی خود مثل چادر را برگیرند، ولی در آخر می گوید که حتی اگر همین زنان پیر نیز عفت به خرج دهند و حجاب خویش را کم تر نکنند، برای آنان بهتر است. از این که خداوند حتی در مورد پیر زنان \_ که کم تر کردن لباس در آن ها خیلی غریزه جنسی را تحریک نمی کند و مفسده ای به دنبال ندارد \_ می گوید اگر حجاب و پوشش خود را کم تر

نکنند، برای آن‌ها بهتر است، مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر نسبت به دختران و زنان جوان که خطر آسیب زایی و مفسده غریزه جنسی در مورد آن‌ها بیش تر، ثابت می‌گردد.

از امیرمؤمنان نقل شده است که:

ص: ۴۸

۱- [۱]. تفکیک بحث پوشش و نگاه و اختصاص اولی به زنان و دومی به مردان، از باب غلبه و کثرت است؛ و گرنه این گونه نیست که مردان تکلیفی نسبت به پوشش و زنان نیز تکلیفی نسبت به نگاه نداشته باشند. اشتراک وظیفه زن و مرد نسبت به اصل پوشش، با صرف نظر از مقدار و تفاوت آن نسبت به زن و مرد و اشتراک وظیفه زن و مرد نسبت به اصل نگاه با صرف نظر از مقدار و تفاوت آن نسبت به زن و مرد، از نصوص دینی متعدد استفاده می‌شود.

«إِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَىٰ عَلَيْهِنَ؛ (۱) به درستی که حجاب کامل باعث در امان ماندن بیش تر زنان می‌گردد».

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

إِتَّخِدُوا السَّرَاوِيْلَاتِ فَإِنَّهَا أَسْتُرُ ثِيَابِكُمْ فَحَصِّنُوا بِهَا نِسَائِكُمْ إِذَا خَرَجْنَ (۲)؛

از شلوارها استفاده کنید؛ زیرا آن‌ها باعث پوشیدگی بیش تر [پاها] می‌گردد. پس به وسیله استفاده کردن از آن‌ها، زنان خود را وقتی از منزل خارج می‌شوند از کشف عورت حفظ کنید.



شاهد مثال در این حدیث، کلمه «استرثیابکم» است که بر مطلوبیت پوشش بیش تر دلالت می‌کند. پس از این که اصل مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر و بهتر برای بانوان از احادیث بالا استفاده شد، باید پرسید چه عواملی در تحقق حجاب و پوشش بیش تر و بهتر دخالت دارد و چه عواملی به آن آسیب وارد می‌کنند؟ در پاسخ می‌توان گفت عواملی مثل نازک یا غیر نازک بودن لباس، گشاد یا تنگ بودن آن، مخفی یا آشکار کردن زینت‌ها، بلند یا کوتاه بودن لباس و تیره یا روشن بودن رنگ لباس، برخی از عواملی هستند که در تحقق مقدار حجاب و پوشش بیش تر و کم تر و در نتیجه، مهار غریزه جنسی مؤثراند که اندکی در مورد آن‌ها بحث کنیم.

### الف) ناپسند بودن پوشش شفاف و نازک

در حدیثی نقل شده است:

من رَقَّ ثوبه رَقَّ دینه فلیکن صفیقا<sup>(۳)</sup>؛ هر فردی که لباس نازک داشته باشد، دین داری او نیز ضعیف می‌گردد، پس لباس باید نازک و شفاف نباشد.

ص: ۴۹

۱- [۱]. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۴۰۵.

۲- [۲]. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹، واژه حجاب.

۳- [۳]. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱۱، ابواب لباس المصلی، باب ۱۸، باب عدم جواز الصلاه فی ثوب رقیق، لا یستر العوره و لبس المرأه ما لا یواری شیئا، روایت ۲ ثوب صفیق: متین و کثیف النسج، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

توضیح این که بی تردید یکی از نشانه های دین داری، رعایت حلال و حرام در مورد غریزه جنسی است و نازک بودن لباس و پوشش، به ویژه در بانوان، باعث می شود که انسان در معرض آسیب، انحراف و مفساد جنسی قرار گیرد. مبتلا شدن به انحراف و مفساد جنسی، به دین داری انسان صدمه می زند و به همین دلیل در آموزه های دینی، به شدت از ارتکاب مفساد جنسی نهی (۱) و برای برخی از آن ها مانند زنا، تنبیه های سنگینی وضع شده است (۲) ناگفته پیداست که غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و در متون دینی پوشش بدن بانوان به دلیل ویژگی های فیزیکی و ظاهری آن ها، بیش تر از پوشش بدن مردان مورد تأکید قرار گرفته است. تردیدی نیست یکی از عواملی که به پوشش بیش تر بدن بانوان آسیب وارد کند، استفاده از لباس های شفاف و نازک است؛ زیرا این گونه لباس ها، سطح بدن را آشکار و نمایان می گرداند و تأثیر این گونه پوشش ها، به ویژه از سوی بانوان، در تحریک جنسی بسیار چشم گیر است. با توجه به همین نکته در برخی احادیث از این گونه لباس ها نهی شده است.

إِنَّ اسْمَاءَ بِنْتَ أَبِي بَكْرٍ دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَيْهَا ثِيَابٌ رَقَاقٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ يَا اسْمَاءُ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتْ الْمَحِيضَ لَمْ يَصْلَحْ لَهَا أَنْ يُرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَ هَذَا وَ إِشَارَ إِلَى وَجْهِهِ وَ كَفِيهِ؛ (۳)

اسما دختر ابی بکر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که لباس نازکی بر تن داشت. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از او روی گردانید و فرمود: ای اسما! زن وقتی به سن بلوغ رسید، شایسته نیست بدن

ص: ۵۰

۱- [۱]. «و لا تقربوا الزّنی انه کان فاحشه و ساء سیلا»، اسراء: ۳۲.

۲- [۲]. الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ سوره نور: ۲.  
 ۳- [۳]. میزان الحکمه، واژه لباس. همچنين عبدالکريم زيدان، المفصل في أحكام المرأة  
 و البيت المسلم في الشريعة الاسلاميه، ج ۳، ص ۳۳۲ به نقل از صحيح مسلم بشرح النووي،  
 ج ۱۴، صص ۱۰۹ \_ ۱۱۰.

او دیده شود، مگر این و این. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت و دو کف دست  
 خود اشاره کرد.

در برخی روایات، تعبیر «نساء کاسیات عاریات»<sup>(۱)</sup> آمده است که در مورد معنای آن  
 احتمالات مختلفی داده شده است.

۱. زنانی که لباس نازک و شفاف می پوشند؛

۲. زنانی که لباس های کوتاه می پوشند؛

۳. زنانی که لباس های تنگ می پوشند.

گرچه برای همه این احتمالات، شواهدی در متون اسلامی می توان یافت که در آن ها  
 زنان استفاده کننده از این گونه لباس ها سرزنش شده اند، ولی به نظر می رسد در بین  
 معانی مذکور، معنای نخست تناسب بیش تری با تعبیر «کاسیات عاریات» دارد؛ زیرا فردی  
 که لباس نازک و شفاف پوشیده است، گرچه در ظاهر لباس پوشیده، ولی در واقع برهنه  
 است؛ زیرا سطح بدن وی از زیر لباس نازک و شفاف آشکار است و تحریک آمیزی  
 این گونه لباس نسبت به غریزه جنسی و افزایش احتمال آسیب زایی آن و ابتلا به مفسد  
 و انحراف جنسی نیز امری روشن است.

البته آشکار است که تأکید بر عدم استفاده بانوان از لباس های شفاف و نازک، به معنای این نیست که مردان می توانند هر گونه لباس نازک و شفاف را بپوشند، بلکه به معنای این است که احتمال آسیب زایی این گونه لباس ها در مورد بانوان بیش تر است.

### **(ب) ناشایست بودن لباس و پوشش تنگ**

غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و چون اندام بانوان به طور طبیعی قسمت های برجسته ای دارد، پوشش آنان باید به گونه ای باشد که قسمت های برجسته بدن را بپوشاند تا باعث تحریک جنسی نگردد. بنابراین، طبیعی است که استفاده بانوان از لباس تنگ و

ص: ۵۱

۱- [۱]. المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۳، صص ۳۳۴ \_ ۳۳۵ به نقل از سنن ابی داود، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

چسبان در بیرون منزل نه تنها قسمت های برجسته بدن آنان را نمی پوشاند، که آن ها را برجسته تر نیز نشان می دهد. روشن است یکی از آثار منفی این گونه لباس ها، تحریک هواهای شهوانی غریزه جنسی است. بر همین اساس، در برخی روایات استفاده از چنین لباس هایی نهی شده است.

عن اسامه بن زید: کَسَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَبْطِيَه كَثِيْفَه، (۱) کانتُ مِمَّا أهدى له دحيه الكلبى فكَسوتُها إمرأتى فقال رسولُ الله صلى الله عليه و آله مالك لا تلبسُ القبطيه؟ فقلت: يا رسولَ الله كسوتُها إمرأتى: فقال: مُرها أن تجعلَ تحتها غلاله: فَإِنِّي أَخافُ أَنْ تَصِفَ حِجْمُ عظامها. (۲)

از اسامه بن زید نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس قبطی را که دحیه کلبی به حضرت هدیه کرده بود، به من پوشاند که من نیز آن را به همسرم پوشاندم. رسول خدا صلی الله علیه و آله از من سؤال کرد: چرا لباس قبطی را نمی پوشی؟ من در پاسخ گفتم: آن را به همسرم پوشاندم. حضرت فرمود: به او امر کن در زیر آن زیر پوش استفاده کند. پس به راستی که من می ترسم لباس قبطی حجم بدن او را نمایش دهد.

افزون بر ضرر تحریک جنسی، امروزه زیان آور بودن استفاده از لباس های تنگ از نظر جسمانی در علم پزشکی ثابت شده است. برای مثال یکی از ضررهای جسمانی لباس های تنگ، این است که این گونه لباس ها عمل تنفس بدن را با مشکل مواجه می کند و نمی گذارد هوای آزاد به سطح پوست بدن برسد. (۳)

البته روشن است که در مورد عوارض منفی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. بنابراین، باید به منظور در امان ماندن از آسیب های بالا، زنان و مردان از لباس های تنگ

ص: ۵۲

۱- [۱]. لباس دامنه دار بلند و کلفت از قبط مکانی در مصر.

۲- [۲]. المفصل فی احکام المرأة و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۳، ص ۳۳۰، به نقل از نیل الاوطار شوکانی، ج ۲، صص ۱۱۶، ۱۱۷.

۳- [۳]. برای آگاهی بیش تر به کتاب آئین بهزیستی اسلام، ج ۴، ص ۴۹ مراجعه شود.

استفاده نکنند.

**ج) ناشیست بودن استفاده زنان و مردان از پوشش های اختصاصی یکدیگر**

همان گونه که به لحاظ ایجابی گاهی زن و مرد به مقدار یا نوع خاصی از حجاب و پوشش سفارش شده اند، به لحاظ سلبی نیز گاه زن و مرد \_ هر دو \_ از پوشش خاصی منع شده اند. یکی از مواردی که زن و مرد به طور مشترک از آن منع شده اند، استفاده از پوشش های مختص یکدیگر است؛ به این معنا که مردان نباید از پوشش های ویژه زنان استفاده کنند و زنان نیز نباید از پوشش های ویژه مردان استفاده کنند. برای مثال، روسری و چادر از پوشش های مختص بانوان است. بنابراین، مردان نباید از آن ها استفاده کنند و در مقابل، کلاه از پوشش های مختص مردان است و بانوان نباید از آن استفاده کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی زنان و مردان را از استفاده از لباس های مختص یکدیگر نهی کرده اند:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَزْجُرُ الرَّجُلَ أَنْ تَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ وَيَنْهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ فِي لِبَاسِهَا (۱)؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته مرد را از شباهت جستن به زنان و زن را از شباهت جستن به مردان در لباس نهی می کردند.

در حدیثی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ قَلَّ مِنْ تَشَبُّهِ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ. (۲)

اگر انسان حلیم و بردباری نیستی، خودت را به حلم و بردباری وادار کن. کم پیش می آید که فردی به قوم و گروهی مشابَهت جوید، ولی از جمله آنان نگردد.

پیش فرض کلی روایت بالا این است که هر وقت انسان خود را در عمل و حالتی

- ۱- [۱]. وسائل الشیعه، کتاب الصلاه، ابواب احکام الملابس، باب ۱۳، باب عدم جواز تشبه النساء بالرجال بالنساء و الرجال، ص ۳۵۵، روایت ۲.
- ۲- [۲]. نهج البلاغه، ص ۵۰۶، حکمت ۲۰۷.

شبهه و هم شکل قوم و گروه خاصی کند، این مشابهت باعث می گردد از آن قوم و دسته به شمار آید. به همین دلیل در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

لا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَا تَسْلِكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي. (۱)

لباس دشمنان من را نپوشید. غذای دشمنان من را نخورید. راه و روش دشمنان من را نروید که شما نیز مثل آنان از دشمنان من خواهید شد.

بر اساس پیش فرض یاد شده؛ هر یک از زن و مرد به تناسب وظایف شان، ویژگی ها، روحیات و هویت ویژه ای دارند که در مباحث روان شناسی زن و مرد به آن ها پرداخته شده است. روشن است که هر یک از آن ها در صورتی می توانند به وظایف فردی و اجتماعی خود عمل کنند که هویت جنسی زنانه و مردانه خویش را حفظ کنند، ولی بی تردید پوشیدن لباس های مختص مردان توسط زنان و پوشیدن لباس های مختص زنان توسط مردان باعث می گردد که هر یک از آن دو روحیات و هویت ویژه خود را به تدریج از دست بدهند، به گونه ای که زن دارای احساسات و اخلاق مردانه و مرد نیز بالعکس دارای اخلاق و عواطف زنانه گردد. معلوم است که این تغییر نقش های فطری و غریزی، نظم حاکم بر نظام آفرینش زن و مرد را دچار اختلال می کند. به همین دلیل زنان و مردان از پوشیدن لباس های مختص یکدیگر منع شده اند. یکی از پی آمدهای

کوچک تغییر نقش های زنان و مردان، ظهور پدیده ای نوپیدا با عنوان «پسران دختر نما، دختران پسر نما» است. (۲)

## د) پوشیدگی زینت از نامحرم

### اشاره

احکام نورانی اسلام، متناسب با گرایش های فطری انسان است. یکی از گرایش های فطری همه انسان ها به ویژه بانوان، گرایش به زینت، خود آرایی و زیبایی دوستی است.

ص: ۵۴

۱- [۱]. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹۰، روایت ۱۴.

۲- [۲]. برای آگاهی بیش تر نک «چشم اندازی به یک پدیده نوپیدا: دختران پسر نما، پسران دختر نما»، مجله نگاه حوزه ویژه دین \_ جوان ش ۴۸ \_ ۵۰، ص ۱۱۵.

قرآن مجید و احادیث معصومان علیهم السلام، علاقه فطری زنان به زینت آلات و خود آرایی را این گونه بیان می کنند.

از امیرمؤمنان نقل شده است:

«إِنَّ النِّسَاءَ هَمَّهْنَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ (۱) همت زنان زینت و زیورهای زندگی دنیاست».

در متون دینی اسلام، بر اساس همین علاقه فطری زنان، به استفاده از زینت آلات و زیبایی ها تشویق شده است.



از امام باقر علیه السلام نقل شده که:

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنَّ تَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنْ  
الْخِضَابِ وَ لَوْ أَنَّ تَمَسَّحَهَا مَسْحًا بِالْحَنَّا وَ إِنْ كَانَتْ مُسْنَةً. (۲)

سزاوار نیست زنی خود را بدون زیور رها کند. پس دست کم گردن بندی به گردن  
آویزد و شایسته نیست دست زن بدون خضاب باشد و لو این که حنایی را مس کند، اگر  
چه آن زن پیر باشد.

البته چون نمایش زینت به افراد نامحرم، پی آمدهای منفی مانند تحریک جنسی، آسیب  
زایی و دچار شدن به مفسد جنسی را در پی دارد، در آموزه های قرآنی اسلام درباره  
استفاده زنان و بانوان از زینت حد و مرزهایی قرار داده شده است که برخی از آن ها در  
این آیه اشاره شده است.

وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرَبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ .  
(نور: ۳۱).

و زنان آرایش خود را جز آن چه قهرا ظاهر می شود، بر بیگانه آشکار ن سازند و باید سینه  
و بر دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار ن سازند.

ص: ۵۵

۱- [۱]. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳.

۲- [۲]. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۸۵، باب کراهه ترک  
المرأه الحلی و الخضاب و ان کانت مسنه و ان کان زوجها اعمی، ص ۱۱۸، روایت ۱.

بر اساس آیه یاد شده، یکی از توصیه های اساسی اسلام به بانوان، نمایش ندادن زینت ها و زیبایی ها به افراد نامحرم است. یکی از حکمت های این دستور قرآنی و اسلامی این است که چون بانوان به طور طبیعی به گونه ای آفریده شده اند که غالباً مظهر جمال و زیبایی و مردان نیز مظهر شیفتگی و دلدادگی هستند، از این رو آشکار کردن زینت ها توسط بانوان، زمینه تحریک شهوت جنسی را ایجاد می کند و تحریک شهوت جنسی نیز زمینه گناهان جنسی را فراهم می سازد. پس چون شارع مقدس برای رسیدن انسان به کمال، دوست دارد محیط اجتماع را از آلودگی به گناهان پاک سازد، با دستور حکمت آمیز نمایش ندادن زینت خواسته است مقدمات پیدایش آلودگی در جامعه را از میان ببرد. دستور الهی در مورد خودآرایی بانوان با تعبیر مختلف در قرآن مجید آمده است:

«غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِزِينَةٍ؛ زنان اظهار تجملات و زینت خود نکنند». (نور: ۶۰)

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و در خانه هایتان بنشینید و آرام بگیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین، آرایش و خودآرایی نکنید». (احزاب: ۲۳)

در ذیل این آیه شریفه، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده اند:

«سیکون جاهلیه اخری؛ (۱) یعنی در مقابل خودنمایی جاهلیت نخستین، خودنمایی جاهلیت دیگری نیز پدید خواهد آمد.

بعید نیست مراد از خودنمایی جاهلیت جدید و مدرن که امام معصوم علیه السلام از آن خبر داده اند، جنبش طرفداران لختی و برهنگی در جهان غرب باشد. (۲)

ص: ۵۶

۲- [۲]. برای آگاهی درباره جنبش برهنگی در غرب نک: الف) استاد شهید مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب؛ ب) استاد شهید مرتضی مطهری، مقدمه کتاب، مسئله حجاب؛ ج) دکتر حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی؛ د) جلال رفیع، یاد داشت ها و ره آوردهای سفر نیویورک در بهشت شداد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش.

افزون بر این در آیه دیگری درباره خودآرایی آمده است:

«لَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ آن گونه پای بر زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. (نور: ۳۱).

از این آیه شریفه به کمک آیات و روایات دیگر مربوط به حجاب، یک قاعده کلی در مورد حجاب و پوشش بانوان استفاده می شود و آن این که پوشش و شیوه رفتار بانوان در سطح جامعه، باید به گونه ای باشد که باعث تحریک شهوات جنسی نگردد. بنابراین، زنان به منظور کمک به پاکی جامعه از گناهان جنسی، باید از هر گونه حرکتی که برانگیزاننده شهوت های جنسی است، پرهیزند و تردیدی نیست که یکی از مهم ترین راه کارها، نمایش ندادن زینت ها به افراد نامحرم است که در قرآن روی آن تأکید شده است.

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ. (نور: ۳۱).

و (زنان) زینت و آرایش خود را جز آن چه قهرا ظاهر می شود، بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و برودوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند، جز برای شوهران خود و پدران و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود و زنان خود (یعنی زنان مسلمان) و کنیزان ملکی خویش و اتباع (خانواده که رغبت به زنان ندارند) از زن و مرد یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند.

تعبیر «لا یبدین زینتهن» به معنای آشکار نکردن زینت ها و زیبایی هاست که تعبیر دیگر قرآنی آن، عدم تبرّج است. از آیه شریفه بالا و آیات پیشین استفاده می شود قاعده اصلی و اولی در مورد زینت و زیبایی های بانوان، آشکار نکردن آن هاست، مگر در

ص: ۵۷

برخی موارد استثنایی که در دو مورد کلی ذیل قابل توضیح هستند.

### موارد استثناء

#### ۱- برخی اشخاص

همان گونه که از آیه استفاده می شود، زنان از آشکار کردن زینت ها و زیبایی های خود منع شده اند، به استثنای برخی اشخاص که در دوازده دسته کلی قرار می گیرند و زنان نسبت به آن ها وظیفه و جوب پوشش را ندارند. به نظر می رسد برداشته شدن حکم و جوب پوشش نسبت به این دوازده گروه، دست کم دو وجه دارد:

وجه اول: این که انگیزه های شهوانی و جنسی معمولاً در این دوازده گروه، یا وجود ندارد یا کم تر وجود دارد؛

وجه دوم: این که ممکن است عمومیت و جوب پوشش زینت ها و زیبایی ها در منزل و در بین محارم، برای بانوان مقداری مشقت آور باشد. از این رو، شارع مقدس به منظور مصلحت و آسان گیری برای مکلفان، حکم و جوب پوشش زینت ها را در مواجهه با این اشخاص خاص برداشته است.

بنابراین، اگر در مواقع خاصی \_ دو وجه بالا وجود نداشت \_ ، مثل این که زنی از حرکات و نگاه برخی محارم، به انگیزه های شهوانی و جنسی آن ها پی برد، لزوم پوشش زینت ها حتی در مقابل آن ها نیز وجود دارد. یا اگر زنی از پوشش زینت های خود در مقابل محارم احساس سختی نداشت، از حکم جواز اظهار زینت در برابر افراد محرم می تواند استفاده نکند؛ زیرا بر اساس آموزه های قرآنی، پوشش بیش تر، شایسته تر دارد، حتی در مواردی که احتمال وجود انگیزه های شهوانی بسیار ضعیف است. خداوند در آیه ۶۰ سوره نور می فرماید:

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ

در آیه شریفه؛ ابتدا خداوند به بانوان پیر که امید ازدواج در مورد آن ها وجود ندارد،

ص: ۵۸

اجازه می دهد که لباس های رویی خویش، مانند چادر (۱) را بدون قصد نمایش زینت ها بگیرند، ولی در آخر همین آیه می گوید اگر عفاف بیش تری به خرج دهند و از حجاب خود کم نکنند، برای آن ها بهتر است.

حال پرسش این است که حکمت این مطلوبیت پوشش بیش تر زنان چیست؟ پاسخ این است که بین مقدار پوشش و میزان مصونیت بانوان در مقابل گناهان جنسی، رابطه مستقیم

وجود دارد. به این معنا که هر چه پوشش آن‌ها بیش تر باشد، مقدار مصونیت آنان در مقابل آسیب‌های جنسی نیز بیش تر است و هر چه مقدار پوشش آنان کم تر باشد، میزان آسیب‌ناپذیری آن‌ها نیز کم تر خواهد بود. این پاسخ، با دقت در مفاد این حدیث آشکار می‌گردد.

از امیر مؤمنان نقل شده است:

«انّ شده الحجاب ابقی علیهن؛<sup>(۲)</sup> همانا حجاب و پوشش کامل زنان، باعث مصونیت بیش تر آنان می‌گردد».

۲- برخی از اعضای بدن

براساس بعضی روایت‌ها که از ائمه معصومان علیهم السلام در ذیل آیه «و لا یبدین زینتھن الا ما ظهر منها»<sup>(۳)</sup> نقل شده است: «ما ظهر منها» در آیه به وجه و کفین تفسیر شده است.<sup>(۴)</sup>

ص: ۵۹

۱- [۱]. بر اساس روایت معتبری در وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۷، حدیث ۳، ثیاب در آیه شریفه بالا به جلاباب تفسیر شده است. عن ابی عبداللّٰه قال: القواعد من النساء لیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهنّ؛ قال: تضع الجلاباب وحده؛ یعنی این گونه زنان پیر، فقط جلاباب خویش را می‌توانند بردارند. در آینده نزدیک بیان خواهد شد که به نظر ما، جلاباب همان چادر و پوشش گسترده‌ای است که زنان روی لباس‌های دیگر می‌پوشند.

۲- [۲]. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- [۳]. نور: ۳۱.

۴- [۴]. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۵۲۱، باب ما یحل النظر الیه من المرأه. البته درباره معنای آیه، احتمالات و دیدگاه های دیگری نیز مطرح شده که بحث مفصل درباره آن ها فرصت دیگری می طلبد.

بر همین اساس، بیش تر فقیهان شیعه گفته اند پوشاندن صورت و دو دست تا میچ برای زنان واجب نیست. البته همه فقها، که به عدم پوشش صورت و دست ها معتقدند، اگر در موارد خاصی با توجه به وجود قراین و شواهد، باز بودن چهره و دست ها باعث وقوع در مفسده جنسی و آسیب زایی باشد، پوشاندن چهره و دست ها را لازم می دانند. (۱) به نظر می رسد این استثنا نیز همانند استثنای پیشین، برای رعایت مصلحت تسهیل است. به تعبیر دیگر، مباح بودن آشکار کردن صورت و کفین، از نوع اقتضایی است؛ یعنی اگر رعایت مصلحت تسهیل از سوی شارع نبود، در همین موارد استثنا شده نیز اقتضا و زمینه وجوب پوشش وجود داشت. (۲) چون معمولاً چهره بانوان زیباتر است و بیش تر باعث جلب توجه و دل ربایی نامحرم می گردد.

پرسشی که این جا شایسته طرح است، این است که آیا در متون اسلامی مثل قرآن و حدیث، نوع خاصی از پوشش که باعث پوشیدگی بیش تر زنان در مقابل نامحرم می گردد، توصیه شده است یا نه؟

در آیات قرآنی؛ به زنان توصیه شده است از دو نوع پوشش ویژه به نام «خمار» و «جلباب» در مقابل نامحرم استفاده کنند.

«و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ؛ و باید سینه و برودش خود را به مقنعه پوشانند (نور: ۳۱).

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ۵۹).

ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند که این کار برای این که آن ها به عفت و آزادگی شناخته

ص: ۶۰

۱- [۱]. نک: سید محسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۲،

ص ۸۱

۲- [۲]. برای آگاهی بیش تر، نک: استاد مطهری، مسئله حجاب، صص ۲۰۹ \_ ۲۱۰.

شوند تا از تعرض و جسارت هوس رانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

از آخر آیه دوم، رابطه بین حجاب و پوشش و مصونیت بیشتر و عدم آزار از سوی افراد لا ابالی به خوبی فهمیده می شود. در شأن نزول آیه ۵۹ سوره احزاب این گونه نقل شده است.

فَإِنَّه كَانَ سَبَبَ نُزُولِهَا أَنْ النِّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَيُصَلِينَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِذَا كَانَ بِاللَّيْلِ خَرَجْنَ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرَبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَالْغَدَاةِ يَقْعُدُ الشُّبَّانُ لَهُنَّ فِي طَرِيقِهِنَّ فَيُؤْذِنُهُنَّ وَ يَتَعَرَّضُونَ لَهُنَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (۱).

سبب نزول آیه شریفه این بوده که زنان برای رفتن به مسجد از منزل خارج می شدند و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جماعت می خواندند. هنگامی که زنان برای نماز مغرب، و عشا و صبح برای رفتن به مسجد از منزل خارج می شدند، جوانان لا ابالی



سر راه آن‌ها می‌نشستند و متعرض آن‌ها می‌شدند. آن‌ها را اذیت می‌کردند. پس خدا این آیه را در همین رابطه نازل کرد.

بر اساس تحقیق انجام گرفته خمار به معنای مقنعه و پوشش مخصوص سر، و جلباب به معنای چادر پوشش گسترده‌ای که روی لباس‌های دیگر می‌پوشند و تمام بدن را می‌پوشاند. (۲) فاطمه زهرا علیها السلام هنگام رفتن به مسجد برای دفاع از قضیه فدک نیز از همین پوشش‌های قرآنی خمار و جلباب استفاده کرده‌اند. (۳)

برخی شواهد تاریخی نیز مؤید این مطلب است که رنگ خمار (مقنعه) و رنگ

ص: ۶۱

۱- [۱]. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶، ذیل آیه جلباب.

۲- [۲]. به کتاب حجاب شناسی چالش‌ها و کاوش‌های جدید، از نگارنده مراجعه گردد.

۳- [۳]. لما اجمع ابوبکر و عمر علی منع فاطمه علیها السلام فدکا و بلغها ذلک لاثت خمارها علی رأسها و اشملت بجلبابها، طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷ \_ ۹۸.

جلبابی (چادری) که در عصر نزول آیه استفاده می‌شده، همانند بسیاری از مقنعه‌ها و چادرهای رایج فعلی، مشکی بوده است. این قراین تاریخی با رجوع به ریشه لغوی خمار و جلباب در کتاب‌های لغوی معتبر بیش‌تر تأیید می‌گردد. (۱)

افزون بر این، در کلمات دانشمندان اسلامی و روان‌شناسی شواهدی وجود دارد که تأیید‌کننده تأمین حجاب و پوشش بیش‌تر زنان توسط حجاب‌های رنگ‌مشکی است. برای مثال، فقیه برجسته شیعه، صاحب جواهر در ذیل برخی روایات مربوط به کراهت استفاده

از لباس های مشکی، این گونه نقل کرده است که براساس دیدگاه های فقیهان شیعه، کراهت پوشش مشکی مختص مردان است؛ زیرا شارع مقدس، پوشش غلیظ تر و بیش تری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است و رنگ مشکی در مقایسه با رنگ های دیگر، به نحو بهتری پوشش بیش تر را تأمین می کند. (۲)

روان شناسی رنگ ها نیز می گوید سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه مقابل «بله» یعنی رنگ سفید است. (۳) زنی که در بیرون منزل و در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می کند، در واقع می خواهد به او «نه» بگوید و زنی که لباس سفید می پوشد، راه نگاه ها را به سوی خود باز می گذارد و آن فردی که لباس های رنگارنگ و جذاب می پوشد، خواسته یا ناخواسته خود را در مقابل نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهد. (۴)

افزون بر این، رنگ مشکی بر عکس رنگ سفید، رنگی است صامت و غیر فعال و نه

ص: ۶۲

۱- [۱]. برخی از قرائن تاریخی و لغوی در مورد معنا و رنگ جلاب قرآنی را نگارنده در کتاب حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید و همچنین مقاله ای با عنوان «نقد ادله مخالفین چادر مشکی» مطرح نموده است. مقاله مذکور در پاسخ شبهات مخالفان چادر مشکی در تاریخ ۳ و ۴ بهمن ۷۹ در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شده است که علاقه مندان می توانند برای آگاهی بیش تر به آن مراجعه کنند.

۲- [۲]. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۸، ص ۲۳۵.

۳- [۳]. ماکس لوشر، روانشناسی رنگ ها، ترجمه ویدابی زاده.

۴- [۴]. حجت الله رحمانی، «اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی»، نشریه فیضیه، ۷ آذر

۱۳۷۹، ص ۳.

تنها بیننده را تحریک و به فعالیت عمومی روانی و جسمانی وادار نمی کند، بلکه از فعالیت طبیعی و عادی او نیز کاسته یا آن را متعادل می سازد.

رنگ مشکی، اثر تخفیف تحریک روحی داشته و رنگی غیر محرک است و واکنش روانی مهمی در بیننده ایجاد نمی کند. از این رو، یکی از بهترین وسایل تخفیف واکنش های روانی است نه تنها وسیله جلب توجه دیگران نمی شود، بلکه کمک به انصراف و عدم توجه نیز می کند. (۱) چنین ویژگی هایی در رنگ مشکی حجاب بانوان در مقابل نامحرم، با فلسفه و حکمت حجاب که همان پوشیدگی بدن در مقابل نامحرم و عدم تحریک جنسی اوست، بسیار سازگار می نماید.

البته در مقابل قراین و شواهد بالا، بعضی با ژست به ظاهر علمی این گونه شبهه افکنی کرده اند که استفاده از رنگ مشکی، ممکن است به بیماری های جسمی و روانی بینجامد، این گونه شبهات هیچ اصل و اساس علمی ندارد و پاسخ آن پیش از این داده شده است. (۲)

## هـ) پوشش چشم و نگاه از نامحرم

براساس آموزه های و حیانی اسلام و براساس نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه انحراف جنسی جوانان، یکی از مهم ترین و قوی ترین محرک های غریزه جنسی، محرک های دیداری هستند. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که:

«إِنَّهٗ كَانَ جَالِسًا فِي أَصْحَابِهِ فَمَرَّتْ بِهِمْ إِمْرَأَةٌ جَمِيلَةٌ فَرَمَقَهَا الْقَوْمُ فَقَالَ إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفَحُولِ طَوَامِحُ وَذَلِكَ سَبَبُ هَبَابِهَا.» (۳)

روزی حضرت علی علیه السلام در بین اصحاب خود نشسته بودند. زن زیبایی از جلو آن ها عبور کرد. پس گروهی آن زن را ورنانداز کردند، حضرت فرمود: چشمان این مردان نظرباز است و همین نظربازی چشمان،

ص: ۶۳

۱- [۱]. دکتر احمد اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۲، خود آرای، رنگ پوشاک، صص ۹۷ \_ ۱۴۶.

۲- [۲]. برای آگاهی بیش تر نک: حسین مهدی زاده، «نقد ادله مخالفین چادر مشکی»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ و ۴ بهمن ۱۳۷۹.

۳- [۳]. نهج البلاغه، ص ۵۵۰، حکمت ۴۲۰.

سبب هیجان و تحریک جنسی است.

اگر چه محرک های جنسی دیداری مصادیق متعدد و فراوانی دارند و دیدن بدن نامحرم، دیدن انواع و اقسام زینت های طبیعی و غیر طبیعی زنان، دیدن انواع ارتباط های جنسی در قالب عکس، فیلم های ویدیویی، سینمایی، ماهواره ای، اینترنت و غیره را در بر می گیرد، ولی به تناسب موضوع این اثر، آن نوع از محرک های جنسی دیداری که ارتباط مستقیم با سر و وضع ظاهری بدن و پوشش دارند، بیش تر مورد بحث قرار می گیرد و برخی از آموزه ها و توصیه های دینی در این باب ذکر می گردد. همان گونه که پیش از این گذشت، چون مردان بیش تر از زنان نسبت به محرک های چشمی حساس هستند، بنابراین، مخاطب این آموزه ها بیش تر پسران جوان و مردان خواهند بود.

در متون دینی اسلام، به طور گسترده به زیان های چشم چرانی و در مقابل، اهمیت کنترل چشم از نگاه ناپاک اشاره شده است. چند نمونه از آن ها را با هم می خوانیم.

۱. یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ خدا به خیانت چشم خلق و اندیشه های نهانی دل های مردم آگاه است. (غافر: ۱۹).

۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً (۱)؛ نگاه شهوت آلود، تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه بسا نگاه شهوت آلودی که حسرت طولانی را بر جای می گذارد.

۳. از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که:

«مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثْرَ أَسْفُهُ» (۲) هر فردی چشم خود را آزاد بگذارد و به هر چیزی نگاه کند، حزن و اندوهش زیاد می شود.

۴. در حدیث قدسی نقل شده است:

ص: ۶۴

۱- [۱]. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹. همچنین حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۲- [۲]. آمدی غررالحکم، ص ۲۶۰.

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا مِنْ مَخَافَتِي أَبَدَلْتَهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ. (۱)

نگاه شهوت آلود، تیر مسموم و آلوده ای از تیرهای ابلیس است و هر فردی که از ترس من آن را ترک کند؛ ایمان و آرامشی به وی می دهد که شیرینی آن را در قلب خود می یابد.

۵. «أَوَّلُ النَّظَرِ لَكَ وَ الثَّانِيهِ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّلَاثَةُ فِيهَا الْهَلَاكُ؛ (۲) نگاه (تصادفی) اول مال توست. نگاه دوم [به سود تو نیست و بر ضد توست و [نگاه سوم، باعث هلاک و انحراف می شود».

۶. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

«النَّظَرُ بَعْدَ النَّظَرِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً؛ (۳) نگاه بعد از نگاه، شهوت و میل جنسی را در قلب و دل می کارد و برای وقوع صاحب آن در فتنه و فساد جنسی کفایت می کند».

۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَنْ إِطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَ يُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَ حَشَاهُمَا نَارًا. (۴)

هر فردی که به خانه همسایه مشرف و مسلط گردد و به عورت مرد یا موی

۱- [۱]. المنذری، الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، ج ۳، ص ۳۴، کتاب النکاح، الترغیب فی غض البصر.

۲- [۲]. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۴.

۳- [۳]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۰۴، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب و شعورهن، ص ۱۳۹، روایت ۶.

۴- [۴]. همان، ص ۱۴۱، روایت ۱۶.

زن یا قسمتی از بدن او نگاه کند، سزاوار است که خدا آن ها را با منافقان، افرادی که به دنبال عورت های زنان مردم در دنیا هستند، داخل آتش دوزخ کند. چنین افرادی از دنیا خارج نمی شوند، مگر این که خدا آن ها را رسوا می کند و در آخرت عورتشان را برای مردم آشکار می کند. هر فردی که چشمان خود را از نگاه به زن نامحرم پر کند، خدا روز قیامت چشمان او را از آتش و میخ های آتشین پر می کند.

۸. از امام رضا علیه السلام نقل شده است که:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَإِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفِسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحُلُّ وَ لَا يَجْمَلُ. (۱)

نگاه به موهای زنان محجبه ازدواج کرده و غیر آن ها حرام شده است. به دلیل آن که این گونه نگاه، باعث تحریک جنسی مردان می گردد و تهییج و تحریک، باعث فساد جنسی و دخول در کارهای حرام و ناشایست می گردد.

۹. عیسی بن مریم به حواریین فرموده است:

إِيَّاكُمْ وَ النَّظْرَ إِلَى الْمُخَدَّرَاتِ فَإِنَّهُ بَدْرُ الشَّهَوَاتِ وَ نَبَاتُ الْفِسْقِ. (۲)

از نگاه کردن به دختران اجتناب کنید؛ زیرا نگاه تخم شهوت ها و تمایلات جنسی و باعث رویش فسق و فجور است.

به دلیل پی آمدهای منفی نگاه ناپاک است که خداوند دستور اجازه خواستن برای ورود به محل خلوت دیگران داده است. یکی از حکمت های دستور به اجازه گرفتن، پیش گیری از نگاه حرام است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «انما جعل

ص: ۶۶

۱- [۱]. همان، ص ۱۴۰، روایت ۱۲.

۲- [۲]. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۸۱، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب و شعورهنّ ص ۲۶۹، روایت ۸

الاستیذان من اجل البصر» (۱)

بنابراین، اجازه خواستن یکی از دستورهای مقدماتی اسلام برای مبتلا نشدن به انحراف جنسی و چشم پوشی از نامحرم است که در آیات و احادیث زیادی به آن تصریح شده و آثار مثبت فراوانی برای آن ذکر گردیده است.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. (نور: ۳۰ - ۳۱).

ای رسول ما! مردان مؤمن را بگو تا چشم ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را از کار زشت محفوظ دارند که این بر پاکیزگی جسم و جان شما اصلح است و البته خدا



به هر چه می کنید، کاملاً آگاه است. ای رسول! زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را از عمل زشت محفوظ دارند.

در مورد شأن نزول آیه بالا از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

إِسْتَقْبَلَ شَابٌ مِنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً، بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ النِّسَاءُ يَتَّقِعْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ فَلَمَّا جَازَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا وَدَخَلَ فِي زُقَاقٍ قَدْ سَمَّاهُ بِنِي فَلَانَ فَجَعَلَ يَنْظُرُ خَلْفَهَا وَاعْتَرَضَ وَجْهَهُ عِظْمٌ فِي الْحَائِطِ أَوْ زُجَاجَةٌ فَشَقَّ وَجْهَهُ فَلَمَّا مَضَتْ الْمَرْأَةُ نَظَرَ فَإِذَا الدَّمَاءُ تَسِيلٌ عَلَى صَدْرِهِ وَثُوبِهِ فَقَالَ: وَاللَّهِ لَأَتَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأُخْبِرَنَّهُ قَالَ: فَاتَاهُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا هَذَا؟ فَأَخْبَرَهُ فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِذِهِ الْآيَةِ. (۲)

جوانی از انصار در مدینه با خانمی مواجه شد. زنان در آن زمان مقنعه‌ها را

ص: ۶۷

۱- [۱]. المفصل فی احکام المرأة و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۳، ص ۴۸۹ به نقل از صحیح البخاری شرح الکرمانی، ج ۲۲، ص ۸۳ و صحیح البخاری بشرح العسقلانی، ج ۱۱، ص ۲۴.

۲- [۲]. الفروع من الکافی، ج ۵، النکاح، باب ما یحل النظر الیه من المرأة، ص ۵۲۱، هم چنین وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸، روایت ۴.

پشت گوش‌ها می انداختند. جوان نگاه را به آن خانم دوخت؛ در حالی که آن زن همچنان به سوی او می آمد. هنگامی که زن از برابر وی رد شد، جوان داخل کوچه ای شد و در حالی که همچنان به آن زن نگاه می کرد، استخوان یا شیشه ای که در دیوار

بود، صورت او را برید. هنگامی که زن از جلوی چشمش ناپدید شد، به خود آمد و دید خون بر لباس و سینه اش جریان دارد. پیش خود گفت به خدا سوگند نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می روم و او را از واقعه با خبر می کنم. هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و حضرت او را به آن حالت دید، فرمود این چه حالتی است؟ جوان پیامبر صلی الله علیه و آله را از قضیه با خبر کرد. آن گاه جبرئیل علیه السلام این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرمود. (۱)

در آیه یاد شده، خداوند دو دستور «غض بصر؛ پوشاندن چشم»؛ و «حفظ فرج؛ مواظبت از شرمگاه» را در راه حفظ از گناهان جنسی داده است. همان گونه که در مباحث پیشین گفته شد، راه کار عملی و طبیعی اسلام در مرحله نخست برای تحقق غض بصر و حفظ فرج از گناهان غریزه جنسی، ازدواج است که فراوان به آن توصیه شده است.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاهُ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ. (۲)

ای گروه جوانان! هر یک از شما توان ازدواج دارد، پس ازدواج کند؛ زیرا باعث غض بصر بیشتر چشم و باعث حفظ بیشتر تر فرج از گناهان جنسی می گردد.

اما اگر برای فردی در اثر مشکلات مختلف، امکان ازدواج نداشت، در این جا راه کار متون دینی برای حفظ از گناهان، چشم پوشی است که به برکت پوشش باطنی حیا و تقوا

ص: ۶۸

۱- [۱]. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷.

۲- [۲]. همان.

قابل تحقق می باشد. در حدیثی یکی از مصادیق و آثار حیا، چشم پوشی از گناه ذکر شده است: «الْحَيَاءُ غَضُّ الطَّرْفِ» (۱) همچنین امام علی علیه السلام در خطبه متقین، یکی از اوصاف پرهیزگاران را چشم پوشی از گناه دانسته اند:

«غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ (۲) چشمانشان را از آنچه خدا بر آنها حرام کرده می پوشانند».

امام سجاد علیه السلام نیز درباره رابطه غضب بصر و حفظ از گناهان فرموده اند:

وَأَمَّا حَقُّ فَرْجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يُحِلُّ لَكَ وَالْإِسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصْرِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ. (۳)

اما حق فرج و آلت جنسی تو این است که آن را از کارهای حرام حفظ کنی و با چشم پوشی از گناه، به حفظ فرج از گناهان جنسی استعانت جویی. پس به درستی که چشم پوشی از نگاه به نامحرم، از بهترین یاران برای محفوظ ماندن از گناه است.

با توجه به حدیث بالا، چون رابطه غضب بصر و حفظ فرج از گناهان جنسی یک رابطه علت و معلولی است، به خوبی آشکار می گردد که چرا در آیه شریفه پیشین نیز «يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» همانند علت و معلول به دنبال یکدیگر آمده اند. همین رابطه علت و معلولی بین نگاه شهوت آلود به نامحرم و آلودگی به گناهان جنسی، از برخی روایات دیگر نیز به روشنی استفاده می شود. در روایتی نقل شده است:

لَا تَكُونَنَّ حَادِدَ النَّظَرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَزْنِي فَرْجَكَ مَا حَفِظْتَ عَيْنَكَ وَ إِنْ إِسْتَطَعْتَ إِلَّا تَنْظُرَ إِلَى ثَوْبِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ فَأَفْعَلْ وَ لَنْ

۱- [۱]. جلوه های حکمت، گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۲۰۰.

۲- [۲]. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، خطبه متقین.

۳- [۳]. ابن ابی شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، احادیث امام سجاد علیه السلام، رساله حقوق.

تَسْتَطِيعَ ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ. (۱)

به چیزی که نگاه به آن برای تو جایز نیست، خیره خیره نگاه نکن. به درستی که آلت جنسی گناه نمی کند تا مادامی که چشمانت را از نگاه به نامحرم حفظ کنی و اگر بتوانی حتی به لباس زن نامحرم نیز نگاه نکن، البته این کار را جز با اذن و اراده خدا نمی توانی انجام دهی.

همچنین در مورد نگاه نکردن به پشت سر نامحرم نیز در مذاکره حضرت شعیب با دخترانش پس از مواجهه با حضرت موسی علیه السلام ذیل آیه شریفه «یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ». (قصص: ۲۶) از امام کاظم علیه السلامین گونه نقل شده است:

قال لها شعیب: یا بَنِيَهَ هَذَا قَوِيٌّ قَدْ عَرَفْتِيهِ بَرَفَعِ الصَّخْرَةَ، الْاَمِينِ مِنْ اَيْنَ عَرَفْتِيهِ؟ قالت: يا اَبَتِ اِنِّي مَشَيْتُ قَدَّامَهُ فَقَالَ اِمْشِي مِنْ خَلْفِي فَاِنْ ضَلَلْتُ فَاَرْشِدْنِي اِلَى الطَّرِيقِ فَاِنَّا قَوْمٌ لَا نَنْظُرُ اِلَى اَدْبَارِ النِّسَاءِ. (۲)

حضرت شعیب به دخترش گفت: قوی بودن حضرت موسی علیه السلام را از برداشتن صخره فهمیدی. امین بودن او را از کجا شناختی؟ دختر گفت: من جلوی او حرکت

کردم. به من گفت از پشت سر من بیا و اگر بیراهه رفتم، من را به سمت درست هدایت کن. پس به درستی که ما قومی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی کنیم.

حال پرسش این است که این همه توصیه به اجتناب از نگاه به نامحرم برای چیست؟ برای این که قلب و دل از تفکرات و امیال شهوانی راحت و آسوده باشد. در روایات مربوط به چشم پوشاندن از نگاه به نامحرم، رابطه خاصی بین نگاه و خطورات قلبی انسان بیان شده است که پاسخ بالا را روشن تر می کند. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است:

ص: ۷۰

۱- [۱]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۳۶.

۲- [۲]. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، کتاب النکاح، باب ۸۴، باب کراهه النظر فی ادبار النساء الاجانب من وراء الثیاب، ص ۲۷۴.

«مَنْ غَضَّ أَطْرَافَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ؛ (۱) هر فردی که نگاهش را از نامحرم باز دارد، قلب او راحت خواهد بود».

در روایتی از امام صادق علیه السلام از چشم انسان، به عنوان جاسوس قلب و نامه رسان عقل نام برده شده است:

«الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ بَرِيدُ الْعَقْلِ». (۲) به دلیل همین ارتباط شدید بین نگاه چشمان و خطورات و تصورات قلب و دل گفته اند:

زدست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بر اساس تحقیقاتی که در زمینه انحراف جنسی جوانان انجام شده است، در بین اعضای بدن، چشم سهم بسیار زیادی در انحراف جنسی مردان دارد؛ زیرا نگاه، دروازه ورود تصورات و اندیشه های انسان است. در بیش تر موارد ما نخست چیزی را می بینم و سپس در آن زمینه تخیل و فکر می کنیم. نگاه، مواد اولیه و مصالح لازم تصورات و تخیلات بعدی را فراهم می کند و اگر این نگاه شهوانی و نامشروع باشد، مقدمه تمامی رنج های روحی و دردهای روانی بعدی است. بر اساس تحقیقات، بیش تر موارد خودارضایی به نگاه های حرام مبتنی است. افرادی که چشم های هرزه و نظرباز دارند، همیشه دستخوش رنج های روحی و دردهای درونی بی شماری هستند که محصول تصویربرداری چشم های آنان است. (۳)

معمولا شخص نظر باز با دیدن و نگاه کاملا تشفی جنسی نمی یابد و به خودارضایی دست می زند. افراد نظرباز کنجکاوی شدیدی نسبت به دیدن اندام برهنه جنس مخالف

ص: ۷۱

۱- [۱]. غرر الحکم، ص ۲۶۰.

۲- [۲]. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، کتاب النکاح، ص ۲۶۹.

۳- [۳]. دنیای نوجوان، ص ۲۱۲.

دارند. (۱)

نظربازی و چشم چرانی که خود در واقع نوعی از انحراف های جنسی است و به تعبیر روایات یک نوع زنای چشم است (۲)، افزون بر تأثیرات روحی و روانی فراوان که مهم

ترین آن به تعبیر روایات حسرت ها و ناکامی هاست، (۳) دارای عوارض مادی و منشأ بیمارهای جسمانی زیادی نیز می باشد که برخی از مهم ترین آن ها عبارتند از: دشواری تنفس، درد اطراف قلب، ضعف و خستگی عمومی، تپش قلب و ... (۴)

### (و) نداشتن تماس جسمی نامحرمان

یکی دیگر از انواع حجاب ها و پوشش ها، حجاب و پوشش در ارتباط های بدنی است. اگر چه به دلیل تأثیر زیاد ارتباط های بدنی در افزایش روحیات و عواطف انسانی، این گونه ارتباط ها نسبت به دو جنس مشترک مانند دو مرد یا دو زن نسبت به یکدیگر مانعی ندارد، بلکه فراوان به آن تشویق و برای آن ثواب هایی نیز ذکر شده است، (۵) ولی ارتباط های بدنی در خصوص دو جنس مخالف، به استثنای زن و شوهر، به دلیل جاذبه های جنسی شهوانی و آسیب زایی غریزه جنسی نکوهیده و ناشایست است. از این رو، در برخی از احادیث از دست دادن زن و مرد نامحرم با یکدیگر نهی شده است. در روایتی از سماعه بن مهران نقل شده است:

سألت ابا عبدالله علیه السلام عن مصافحه الرجل المرأة قال: لا يحل للرجل أن يصفح المرأة إلا امرأه يحرم عليه أن يتزوجها أخت أو بنت أو عمه أو خاله أو بنت أخت أو نحوها و أما المرأة التي يحل له أن يتزوجها فلا

ص: ۷۲

۱- [۱]. روانشناسی نوجوان و جوانان، ص ۱۲۵.

۲- [۲]. زنا العینین النظر، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸، روایت ۲.

۳- [۳]. کم من نظره جلبت حسره. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۲۱.

۴- [۴]. پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۹ حجاب، ص ۴۶.

۵- [۵]. به روایات مصافحه، معانقه و تقبیل در کتب روایی از جمله الاصول من الکافی، ج ۲ صص ۱۷۹ \_ ۱۸۵. مراجعه شود.

يُصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَلَا يُغْمِزُ كَفِّهَا. (۱)

از امام صادق علیه السلام درباره دست دادن مرد با زن سؤال کردم، حضرت فرمودند: دست دادن مرد به زن جایز نیست، مگر این که آن زن از محارم مانند خواهر، دختر، عمه، خاله، یا دختر خواهر و مانند این ها باشد. اما دست دادن با زن نامحرم که ازدواج با او حلال است، جایز نیست و فقط دست دادن با زن نامحرم از روی لباس و پوشش مانعی ندارد، ولی نباید دست او را فشار داد.

افزون بر دست دادن، یکی دیگر از مظاهر بارز ارتباط بدنی، بوسیدن لب ها است که به استثنای برخی موارد خاص مانند زن و شوهر و فرزند کوچک از آن نهی شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْقَمِّ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ وَالْوَلَدِ الصَّغِيرِ؛ (۲)

بوسیدن لب و دهان جایز نیست، مگر نسبت به همسر و فرزند کوچک».

اگر چه یکی از نشانه های ابراز محبت بیش تر به مخاطب، به ویژه اقوام و خویشاوندان، ایجاد ارتباط بدنی صمیمانه و گرم مانند بوسیدن است، ولی به منظور پیش گیری از تحریک غریزه جنسی، دستور است. به جای گونه ها و دهان، پیشانی و سر بوسیده شود.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

إِذَا قَبَّلَ أَحَدُكُمْ ذَاتَ مُحْرَمٍ قَدْ حَاضَتْ أُخْتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ أَوْ خَالَتَهُ فَلْيَقْبَلْ بَيْنَ عَيْنَيْهَا وَرَأْسِهَا  
وَلْيَكُفَّ عَنْ خَدَّهَا وَعَنْ فِيهَا. (۳)



هنگامی که فردی از شما خواست دختری که ازدواج با او حرام است و به سن حیض رسیده مثل خواهر، عمه، خاله را ببوسد، بین دو چشم و سر او را ببوسد و از بوسیدن گونه و دهان او خودداری کند.

ص: ۷۳

۱- [۱]. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۵، باب عدم جواز مصافحه الاجنبیه الا من وراء الثوب و لا یغمز کفها، ص ۱۵۱، روایت ۲.  
 ۲- [۲]. الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۸۶، کتاب الایمان و الکفر، باب التقبیل، روایت ۶.

۳- [۳]. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۲، واژه تقبیل.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتِّ سَنِينَ فَلَا يُقَبَّلُهَا الْغُلَامُ وَالْغُلَامُ لَا تُقَبَّلُ الْمَرْأَةُ إِذَا جَاوَزَ سَبْعَ سَنِينَ. (۱)

وقتی دختر بچه به شش سالگی رسید، پسر او را نبوسد و پسر نیز وقتی سنش از هفت سالگی گذشت، زن او را نبوسد.

یکی از اموری که زمینه ارتباط و تماس بدنی را فراهم می کند، نبود پوشش های محیطی لازم و از جمله استفاده از محل خواب مشترک است. از این رو، اکنون درباره پوشش های محیطی بحث می کنیم.

## ۲- پوشش های محیطی مطلوب و نامطلوب

**اشاره**

یکی دیگر از جلوه های پوشش، پوشش های محیطی است. مراد از پوشش محیطی، هر گونه پوششی است که مانع ایجاد ارتباط نامشروع جنسی، به ویژه بین دو جنس مخالف در محیط های اجتماعی است. این گونه پوشش های محیطی، به دو دسته مطلوب و نامطلوب تقسیم می شود. به دلیل اهمیت و گستردگی بحث جداسازی محل خواب افراد به عنوان یک پوشش محیطی مطلوب، نخست درباره آن بحث می کنیم و سپس بحث را به اختصار درباره مصادیق نامطلوب آن ادامه خواهیم داد.

**الف) مطلوبیت جداسازی محل خواب افراد**

یکی از کارهایی که زمینه ارتباط بدنی را فراهم می کند، استفاده کردن از رختخواب مشترک است. استفاده از رختخواب مشترک در مورد غیر زن و شوهر، می تواند زمینه مناسبی برای تحریک نامشروع غریزه جنسی و آسیب زایی و ابتلا به انحراف جنسی مثل زنا، لواط و مساحقه را فراهم کند. با توجه به همین مطلب، اصل و قاعده اولی، تفکیک محل خواب و رختخواب است. تنها زن و شوهر از این اصل کلی

ص: ۷۴

---

۱- [۱]. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، کتاب النکاح باب الحدّ الذی اذا بلغه الصبیان لم یجز مباشرتهم و حملهم و وجب التفرق بینهم فی المضاجع، ص ۴۳۷، همچنین مکارم الاخلاق، ص ۲۵۶.

استثنا شده اند؛ زیرا از نظر شرعی، یکی از حقوق آن دو نسبت به یکدیگر، حق هم خوابگی است.

با توجه به پی آمدهای منفی بسیار زیادی که از نظر آسیب های جنسی نسبت به محل مشترک خواب وجود دارد، در احادیث فراوانی استفاده از لحاف واحد و مشترک مورد سرزنش قرار گرفته و توصیه شده است رختخواب افراد به ویژه بچه ها، از همان خردسالی از یکدیگر تفکیک شود.

در برخی از روایات نقل شده که در شش سالگی رختخواب بچه ها از یکدیگر تفکیک شود. چه پسر بچه باشد یا دختر بچه.

رُوی أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ فِي الْمَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنِينَ. (۱)

از شش سالگی محل خواب بچه ها جدا شود.

در بعضی از احادیث دیگر توصیه شده که رختخواب بچه ها در ده سالگی از یکدیگر تفکیک شود.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رختخواب پسران و پسران، دختران و دختران از ده سالگی جدا شود.

اگرچه به ظاهر این که در برخی از روایات شش سالگی و در برخی دیگر ده سالگی برای تفکیک رختخواب بچه ها ذکر گردیده نوعی ناسازگاری مشاهده می شود، ولی این ناسازگاری را این گونه می توان پاسخ داد که جداسازی رختخواب بچه های شش ساله، مستحب و تفکیک رختخواب بچه های ده ساله، واجب است. (۳)

- ۱- [۱]. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۶.
- ۲- [۲]. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آدابه، باب ۱۲۸، باب الحدّ الذی یفرق فیہ بین الاطفال فی المضاجع، ص ۱۷۱. روایت ۱.
- ۳- [۳]. حاشیه کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۶.

حکمت این که هر چه سن بیش تر می شود، تفکیک رختخواب ضرورت پیدا می کند، این است که هر چه فرد به سن بلوغ نزدیک می شود، غریزه جنسی در وی بروز بیش تری یافته و خطر آسیب زایی آن افزایش می یابد. در برخی احادیث از خوابیدن دو مرد در یک رختخواب نهی و سرپیچی از این حکم، مستوجب تعزیر و تادیب دانسته شده است:

لا ینام الرجل مع الرجل فی ثوب واحدٍ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْأَدْبُ وَهُوَ التَّعْزِيرُ. (۱)

مرد نباید با مردی دیگر زیر یک لحاف بخوابد. اگر چنین کند واجب است او را تعزیر کنند.

افزون بر مردان، زنان نیز از خوابیدن در رختخواب مشترک نهی شده اند، مگر در حال اضطرار. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

لا یتیت المرأتان فی ثوب واحدٍ الاّ أَنْ تَضْطَرَّا الیه. (۲)

دو زن نباید زیر یک لحاف بخوابند؛ مگر این که مجبور باشند.

در برخی از احادیث، اشتراک رختخواب بین زنان و بچه ها نیز مورد سرزنش قرار گرفته است. در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که رختخواب زنان و بچه های ده ساله جدا گردد:

يفرق بين الغلمان و النساء في المضاجع إذا بلغوا عشر سنين. (۳)

هنگامی که پسر بچه ها به ده سالگی رسیدند، باید رختخواب آنان و زنان جدا شود.

### ب) جداسازی محل خواب والدین از فرزندان

یکی از پی آمدهای منفی استفاده مشترک فرزندان و والدین از رختخواب، بلوغ جنسی زودرس در بین فرزندان است. طبیعی است که بلوغ جنسی زودرس، باعث

ص: ۷۶

۱- [۱]. وسائل الشیعه، چاپ موسسه آل البیت، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

۲- [۲]. مکارم الاخلاق، ص ۲۳۲.

۳- [۳]. همان، ص ۳۲۳.

افزایش گرایش جنسی است و در نتیجه، احتمال آسیب زایی غریزه جنسی را بیش تر می کند. کوچتکف در این زمینه می گوید:

«وقتی پدر و مادر با کودک در یک رختخواب می خوابند، در چنین کودکانی بلوغ جنسی پیش رس مشاهده می شود که نتیجه آن، گرایش جنسی فوق العاده زیاد است» (۱)

گرچه یکی از حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر، حق هم خوابگی و استفاده از لذت های جنسی حلال است، ولی این کار باید در خلوت و دور از مشاهده فرزندان باشد. مشاهده پدر و مادر از سوی فرزندان در زمان هایی که آن دو مشغول لذت های جنسی هستند، می تواند اثر نامطلوب روحی و روانی زیادی در فرزندان داشته باشد؛ زیرا کودکان هر آن چه در هنگام خلوت پدر و مادر دیده اند، یاد گرفته و سپس همان کارها

را انجام می دهند. از آن جا که قرآن برای سلامت روحی و اخلاقی انسان ها اهمیت زیادی قابل است، در مواقعی که احتمال لخت بودن پدر و مادر و لذت های جنسی آن دو نسبت به هم وجود دارد، به فرزندان دستور داده با اجازه وارد محل استراحت پدر و مادر شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ. (نور: ۵۹-۶۰).

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید! بدانید که خدمت کاران شما و کودکانی که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده اند، باید شبانه روزی سه مرتبه از شما اجازه بخواهند. یک بار پیش از نماز صبح، دیگر پس از نماز خفتن و سوم هنگام ظهر که جامه ها را از تن بر می گیرید که این سه

ص: ۷۷

۱- [۱]. روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ص ۳۷.

وقت هنگام عورت و خلوت شماس است (بیش تر برهنه یا در لباس کوتاهید) و بعد از این سه بار اجازه، دیگر باکی بر شما و آن ها نیست که بی دستور با خدمت کاران و کودکان خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند. خدا آیاتش

را بر شما چنین روشن بیان می کند که او به کار خلق دانا و حکیم است و آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند، باید مانند سایر بالغان با اجازه وارد شوند.

در توضیح آیه شریفه بالا درباره حکمت اجازه گرفتن در اوقات سه گانه یاد شده، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

باید خدمت کاران و کسانی که به سن بلوغ نرسیده اند، در سه وعده اجازه بگیرند؛ همان گونه که خداوند به آن امر کرده است. هر فردی که به سن بلوغ رسیده، نباید بدون اذن و اجازه قبلی بر مادر، خواهر، خاله و دیگران وارد شود. پس به این افراد اذن و اجازه داده نمی شود، مگر این که سلام کنند و سلام، طاعت و بندگی خداست.

همچنین امام صادق فرموده است:

پس خدمت کار تو وقتی به سن بلوغ رسید، باید در سه وقتی که از اوقات عورت و خلوت است، اجازه بگیرد، اگرچه خانه اش در خانه شما باشد. پس وقتی می خواهد بر شما وارد شود، در سه هنگام پس از عشاء، هنگام صبح و ظهر که لباس های خود را در آورده اید، باید از شما اجازه بگیرد. همانا خداوند به آن امر کرده است؛ زیرا این ساعات، ساعات غفلت و خلوت است. (۱)

دانشمندان روان شناسی تربیت جنسی نیز تأکید می کنند که یکی از وظایف مربیان، اعم از پدر و مادر و دیگران، این است که به فرزندان و بچه ها آموزش دهند که هرگاه

ص: ۷۸

خواستند به محل خلوت دیگران وارد شوند، پیش از ورود اجازه بگیرند. (۱)

به رغم تاکیدهای آیات شریفه و توصیه های کارشناسان تعلیم و تربیت \_ که باید محل استراحت و خواب والدین از اتاق فرزندان جدا باشد \_ با این همه، امروزه تقلید از مظاهر فرهنگ غرب روز به روز در برخی جوامع اسلامی بیش تر می گردد که یک نمونه آشکار آن ساختن خانه ها به شکل آزاد و بدون اتاق بندی و به اصطلاح اوپن (open) است. پدیده ای که برخی از افراد منصف غربی نیز در جوامع خود از آن رنج می برند؛ زیرا می گویند در ساختمان بیش تر خانه های امروزی، رعایت اصول مسائل جنسی پیش بینی نشده است. در واقع باید خانه های امروزی را خانه های مخالف امور جنسی نامید. بسیار به ندرت می توان خانه یا آپارتمانی را یافت که در آن اصل داشتن اتاق خلوت و خواب برای والدین رعایت شده باشد. (۲)

با وجود این که برخی از فرهیختگان جامعه غربی از بعضی مظاهر فرهنگی خود ناراضی اند و نسبت به آن انتقاد دارند، باعث تأسف است که در کشور اسلامی ما، گاه گرایش به مظاهر فرهنگ غرب از جمله مورد بالا مشاهده می گردد که نتیجه ترک معماری سنتی در هنگام ساختمان سازی است.

در معماری سنتی، حجاب های ساختاری بسیاری وجود داشت. در بسیاری از خانه های سنتی ایران، دو بخش درونی و بیرونی وجود داشت. قسمت بیرونی برای آمد و شد میهمانان و غریبه ها فراهم می گشت و قسمت درونی، سرای آسایش محارم و اهل خانه بود. بر در خانه ها دو کوبه متمایز قرار داشت. یکی از کوبه ها ویژه مردان و دیگری مخصوص زنان بود. هر کوبه صدای خاصی داشت که با آن مرد بودن یا زن بودن کوبنده در مشخص می گشت و اهل خانه می فهمیدند زن پشت در است یا مرد. بر همین اساس، یا مرد برای گشودن در می رفت یا زن. اما پس از رهیافت فرهنگ برهنگی غربی ها در



۱- [۱]. یوسف مدن، التریبه الجنسیه للاطفال و البالغین، ص ۹۰.

۲- [۲]. آیین تربیت، ص ۳۴۴.

ادبیات، هنر و ورزش معماری غربی نیز نماد بی عفتی گشت.

در آغاز ساختمان‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که به جای دیوار، از نرده‌های آهنین بهره می‌بردند، اندک اندک معماری برهنگی به درون خانه‌ها کشیده شد. نخست آشپزخانه‌ها بدون در و دروازه یا به اصطلاح «اوپن» شد و سپس اتاق‌های دیگر، دیوارهایش بلعیده شد. اساساً آپارتمان‌سازی با راهروها و آسانسورهای مشترک و دریچه‌های مشرف، فساد زاست. (۱)

امروزه با انجام تحقیقات و پژوهش‌های گسترده در زمینه روان‌شناسی و تربیت جنسی، گوشه‌ای از حکمت‌ها و رمز و رازهای توصیه‌های مؤکد اهل بیت معصومین علیهم السلام در زمینه لزوم پوشاندن عمل آمیزش جنسی از کودکان آشکار گردیده است که یکی از مهم‌ترین رازهای آن‌ها، محفوظ ماندن کودکان از انحراف جنسی است. در تحقیقی که براساس چهارصد نامه ارسالی نوجوانان و جوانان به برنامه آینده سازان به عمل آمده، نوجوانان در موارد متعددی، علت خودارضایی و انحراف جنسی خود را، در جریان مسائل خاص والدین قرار گرفتن و مشاهده آمیزش جنسی آنها دانسته‌اند. (۲)

همچنین تحقیقات روان‌کاوی، اثرات سوء مشاهده اعضای جنسی مادر و پدر از سوی فرزندان را ثابت کرده است. (۳)

کوچکف یکی از کارشناسان روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، درباره حساسیت کودکان در مورد ارتباط جنسی پدر و مادر می گوید:

«والدین باید مراقب باشند که در مرحله بلوغ جنسی فرزندان، با احتیاط رفتار کنند. کوچک ترین پیچ و خش خش شبانه، آن ها را ناراحت

ص: ۸۰

۱- [۱]. حسن عرفان، «عفت در اندیشه گفتار و رفتار»، مجله حدیث زندگی، ش ۶ ویژه عفاف، ص ۱۳.

۲- [۲]. دنیای نوجوان، ص ۱۹۲.

۳- [۳]. احمد محمد جمال، نحو تربیه اسلامی، صص ۷۵ \_ ۷۹.

می کند و شتاب دارند هر چه زودتر بسیاری از مسائل نامعلوم لحظات زندگی پنهانی والدین را بدانند. بوسه، در آغوش کشیدن و نوازش، ابتدا سبب جلب توجه او می شود و سپس گرایش به عکس العمل آن را نشان می دهد و بعد خودش می خواهد شخصا در این باره چیزی بداند. حفظ کودک از مشاهده چنین صحنه هایی، نه تنها فوق العاده مهم است، بلکه به طور کلی از لحظات پنهانی خاص زندگی زن و شوهر نیز مهم تر است» (۱)

بنابراین، در کنار وظیفه اجازه خواستن اطفال و بچه ها هنگام ورود به محل خلوت والدین، آن ها نیز وظایفی دارند که باید هنگام خلوت کردن با یکدیگر و بهره مندی از لذت های جنسی حلال آن را مراعات کنند تا فرزند، دچار انحراف جنسی نگردد.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

و الذی نفسی بیده لو أن رجلاً غشی امرأته و فی البیت صبیٌ مُستیقظٌ یراهما و یسمعُ کلامهما و نفسهما ما أفلح أبداً إن کان غلاماً کان زانیاً أو جاریهً کان زانیهً. (۲)

به خدا سوگند اگر مرد با همسر خود بیامیزد و در اطاق، کودک بیداری آن دو را در حال آمیزش ببیند و سخنان آن ها و همچنین صدای نفسشان را بشنود، آن طفل هرگز رستگار نخواهد شد. اگر پسر باشد یا دختر، سرانجام به زناکاری آلوده می گردد.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

لا یُجامعُ الرَّجُلُ امرأته و لا جاریته و فی البیت صبیٌ فإنّ ذلک مما یورثُ الزّنا (۳).

مرد با همسر و کنیز خود مجامعت و نزدیکی نکند، در حالی که در خانه

ص: ۸۱

۱- [۱]. روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ص ۳۷.

۲- [۲]. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آداب، باب ۶۷، کراهه جماع المرأه و الجاریه و فی البیت صبی او صبیّه تری و تسمع او خادم و استحباب زیاده التستر بالجماع، ص ۹۴، روایت ۲.

۳- [۳]. همان، ج ۱۴، ص ۹۴، روایت ۱.

کودکی هست؛ زیرا این کار باعث آلودگی کودک به انحراف جنسی زنا می گردد.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

تعلّموا من الغراب ثلاث خصال: استتاره بالسفاد و بکوره فی طلب الرزق و حذره. (۱)

از کلاغ سه ویژگی را یاد بگیرید: پنهان کردن آمیزش جنسی، صبح زود دنبال روزی رفتن و محافظت خویش به طور کامل از خطر.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است:

إِيَّاكَ وَالْجَمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَبِيٌّ بَأَنْ يَحْسُنَ أَنْ يَصِفَ حَالَكَ. (۲)

از ارتباط جنسی در جایی که کودک ممیزی تو را می بیند و قادر است رفتارت را به خوبی برای دیگران توصیف کند، پرهیز.

همان گونه که پدر و مادر وظیفه دارند در جلوی فرزندان برهنه نگردند و مشغول لذت های جنسی نشوند، فرزندان بالغ، به ویژه دختران جوان نیز باید نسبت به مقدار پوشش خود دقت داشته باشند؛ زیرا چه بسا نحوه پوشش نامناسب دختر جوان، باعث تحریک جنسی افراد دیگر خانواده، مثل برادر جوان خویش گردد. به همین دلیل در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است:

قال رجلٌ لرسولِ اللهِ يا رسولَ اللهِ اُختي تَكشِفُ شَعْرَها بَيْنَ يَدَيِ قال: لا، إِنِّي أَخافُ إِذَا أَبْدَأْتُ شَيْئًا مِنْ مَحاسِنِها و مِنْ شَعْرِها و مَعْصِمِها أَنْ تُواقِعُها. (۳)

مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! خواهر من گیسوان خود را جلوی من آشکار می کند. حضرت فرمود: این کار را نکند؛ زیرا می ترسم وقتی چیزی از زیبایی ها، گیسوان و ساعدهای خود را

ص: ۸۲

۲- [۲]. همان، ص ۹۵، روایت ۸

۳- [۳]. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

آشکار کند، تو با او نزدیکی کنی.

یکی از نویسندگان پس از سفر به نیویورک در سفرنامه خود نوشته است:

«شبى در منزل یکی از دوستان، یک برنامه تلویزیونی را تماشا می کردیم که با دختر و پدری مصاحبه می شد. هر دو به داشتن روابط نامشروع با یکدیگر افتخار می کردند. وی در ادامه می گوید: «پژوهشگران با ۵ میلیون مورد از این جور رابطه برخورد کرده اند؛ چه بسا واقعیت بیش از آن باشد».<sup>(۱)</sup>

همان گونه که پیش از این گذشت، غریزه جنسی بسیار نیرومند و سرکش است. قدرت و نیرومندی آن اقتضا می کند که حتی در بین محارم مانند دختر جوان و پدر و برادر، و پسر جوان و مادر و خواهر نیز تدابیر لازم درباره پوشش صورت گیرد. و این گونه نباشد که به صرف محرم بودن، در امر حجاب و پوشش کوتاهی کنند. اگر چه از نظر متون اسلامی، مقدار پوشش زن و مرد در منزل و در مقابل محارم به دلیل رعایت مصلحت آسان گیری کم تر از موارد دیگر است، ولی این به معنای لاقیدی و لا ابالی گری مطلق در امر پوشش نیست. از نظر کارشناسان مسائل تربیتی، بدحجابی یا بی حجابی، گردن و سینه های باز، دامن های کوتاه و ساق های برهنه، جوراب های بدن نما و آرایش های تند زنان و دخترانی که در مهمانی ها و عروسی ها و مجالس خانوادگی و دوستانه شرکت می کنند، برای جوانان بسیار تحریک کننده و مفسده انگیز است. این فریبندگی و تحریک آمیزی، گرچه در مورد زنان نامحرم بیش تر است، ولی منحصر به آنها نیست؛ زیرا احتمال تحریک آمیزی، در مورد زنان محرم و حتی مادر و خواهر هم وجود دارد.<sup>(۲)</sup>

۱- [۱]. جلال رفیع، یادداشت ها و ره آوردهای سفر نیویورک در بهشت شداد، آمریکای متمدن، آمریکای متحوش، ص ۴۰۴.

۲- [۲]. اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۷۷. با اندکی دخل و تصرف

چون محرم بودن هر چند از میزان محدودیت می کاهد، ولی میل جنسی را از میان نمی برد. (۱) با توجه به مطالب بالا، باید درباره محدوده پوشش در برابر محارم مختلف به تناسب مقدار و شدت و ضعف محرمیت آن ها تحقیق هایی صورت پذیرد (۲) تا برخی از پدران و مادران و نیز محارم تصور نکنند به صرف محرم بودن، مجاز به سهل انگاری در پوشش هستند؛ عملی که به یقین آثار زیان باری در تحریک غریزه جنسی دارد.

### ج) نامطلوب بودن خلوت با نامحرم

در برخی از روایات، خلوت کردن زن و مرد نامحرم مورد نکوهش قرار گرفته است. در حدیثی نقل شده است:

لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بامرأه إِلَّا كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ (۳)؛

هیچ زن و مرد نامحرمی با یکدیگر خلوت نمی کنند، مگر این که سومین آن ها شیطان است.

در حدیث دیگری از معصوم علیه السلام چنین نقل شده است:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتُ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ (۴)؛

هر فردی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، پس در محلی که نفس زدن زن نامحرم را می شنود، بیتوته نکند و نخواستد».

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

ص: ۸۴

- ۱- [۱]. محمد علی سادات، رفتار والدین با فرزندان، ص ۹۳.
- ۲- [۲]. به عنوان نمونه به مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۲۴، تابستان ۱۳۷۹، ص ۵۸ مقاله «پوشش بانوان در برابر مردان محرم» مراجعه شود.
- ۳- [۳]. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۰.
- ۴- [۴]. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۹۹، باب عدم جواز خلوه الرجل بالمرأه الاجنبیته، روایت ۳.

اِذَا جَلَسَتْ الْمَرْأَةُ مَجْلِسًا فَقَامَتْ عَنْهُ فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهَا رَجُلٌ حَتَّى يَبْرُدَ. (۱)

هنگامی که زن در جایی نشست و سپس از آن جا بلند شد، پیش از این که محل نشستن او سرد گردد، دیگری به جای او ننشیند.

امروزه در علم تجربی به اثبات رسیده است که همواره از اندام هر موجود جاننداری، امواج مرموزی متصاعد می شود و در محدوده ای خاص، روی اشیای مستعد و همگون تأثیر می گذارد که گاهی از آن به مانیه تیسیم (۲) حیوانی تعبیر می کنند. در انسان این تشعشعات یا دست کم بروز آن ها تناسب خاص با افکار و روحيات و آمادگی ساختمان جسمی دارد. به ویژه در زنان، امواج بالا از شدت بیش تری برخوردار است. دانشمندان آلمانی در تحقیقات گسترده ای، به این واقعیت علمی پی برده اند که از اندام زن و حتی

از موی سر او، امواج مرموزی پراکنده می شود و بر بدن برخی از مردان مستعد تأثیر گذاشته، موجب تحریک و فعالیت غده های جنسی شان می گردد. (۳)

### (د) نامطلوب بودن استعمال عطرهای تند و تحریک کننده

گفته شد که از نظر ویژگی های آفرینش، زن غالباً مظهر زیبایی و دلربایی و مرد غالباً مظهر دلدادگی است. دو ویژگی مذکور هنگامی در مسیر صحیح و در راستای کمال الهی انسان قرار می گیرد که بر اساس ازدواج مشروع در کانون خانواده سیراب گردد.

گاهی برخی عوامل، دو ویژگی مذکور را در خارج از چارچوب خانواده تحریک و تشدید می کنند. تشدید ویژگی های بالا، باعث آسیب زایی غریزه جنسی می گردد که یکی از آن عوامل، استعمال عطرهای تند و تحریک کننده توسط بانوان در بیرون منزل و

ص: ۸۵

۱- [۱]. همان، ابواب مقدمانه و آداب، باب ۱۴۵، باب کراهه الجلوس فی مجلس المرأه اذا قامت عنه حتی یبرد، روایت ۱.

۲- [۲]. برای آگاهی بیشتر درباره مانیه تیسیم، به کتاب مانیتیسیم شخصی از پل ژاگو مترجم مشفق همدانی مراجعه شود.

۳- [۳]. سید مجتبی هاشمی کاوندی، مقدمه ای بر روان شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی، ص ۱۹۴.

در برخورد با نامحرم است. از این رو، در برخی احادیث به شدت از آن منع شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:



أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا رِيحَهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ. (۱)

هر زنی که عطر و ماده خوشبو کننده استعمال کند و از منزل خارج شود و بر گروهی از افراد نامحرم عبور کند تا بوی خوش عطر وی را استشمام نمایند، چنین زنی زناکار است.

ممکن است در ذهن خواننده این پرسش مطرح گردد که چگونه زنی به صرف استعمال عطر در برخورد با نامحرم، زناکار به شمار آید. از این رو به نظر می رسد تعبیر زنا در این روایت، قدری نیازمند توضیح است. زنا یک معنای اصطلاحی و مشهور دارد و آن نزدیکی زن و مرد به طور غیر قانونی و نامشروع است. روشن است که معنای یاد شده در روایت بالا مورد نظر نیست. افزون بر معنای اصطلاحی مشهور، برای زنا در فرهنگ اسلامی یک معنای گسترده تری است که ریشه در معنای لغوی آن دارد. بر اساس این معنای گسترده، هر عمل انحرافی که باعث شود زندگی و حیات پاکیزه از مسیر صحیح خارج گشته و باعث آلودگی آن به گناه گردد، زناست. (۲)

با توجه به همین معنای گسترده زنا، در بعضی روایات به برخی از اعضای بدن، انواع خفیف تری از زنا نسبت داده شده است. در روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است:

مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَظًّا مِنَ الزَّانَا فَرِزْنَا الْعَيْنِينَ النَّظْرَ وَ زَانَا الْفَمَّ الْقُبْلَةَ وَ زَانَا الْيَدَيْنِ  
الْلَّمْسُ صَدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَوْ كَذَّبَ. (۳)

ص: ۸۶

۱- [۱]. نهج الفصاحه، مترجم: ابوالقاسم پاینده، ص ۲۰۵.

۲- [۲]. برای آگاهی بیش تر به کتاب آقای حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ذیل ماده زنا مراجعه شود.

۳- [۳]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح ابواب مقدماته و آداب، باب ۱۰۴، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب و شعورهن، ص ۱۳۸، روایت ۲.

هیچ انسانی (غیر معصوم) نیست، مگر این که سهمی از زنا دارد. پس نگاه شهوت آلود، زنای دو چشم است. بوسیدن شهوت آلود، زنای دهان است. لمس شهوت آلود زنای دو دست است. خواه این گونه زنا را زنای فرج (زنای اصطلاحی) همراهی کند یا نکند.

### ه) نامطلوب بودن راه رفتن در وسط جاده

بر اساس روایتی، زنان از راه رفتن در وسط جاده نهی شده اند و در مقابل، به راه رفتن از کنار دیوارها و جاده ها توصیه شده اند:

لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سُرُوتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَ لَكِنَّهَا تَمْشِي فِي جَانِبِ الْحَائِطِ وَ الطَّرِيقِ. (۱)

برای زنان جایز نیست که از وسط جاده حرکت کنند. آن ها باید در یک طرف دیوار و جاده راه بروند.

به نظر می رسد یکی از حکمت های چنین دستوری این است که معمولاً مردان به دلیل وظایف اجتماعی، بیش تر در خیابان ها رفت و آمد می کنند و راه رفتن زنان در وسط جاده ها و خیابان ها، باعث اختلاط و برخورد آن ها با مردان می گردد و اختلاط زن و مرد نامحرم در رفت و آمد، از جمله مقدمات تحریک غریزه جنسی است. در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام که مظهر کامل غیرت دینی است نقل شده است:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُنِّتُ أَنْ نِسَائِكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ. (۲)

ای مردم عراق! با خبر شدم که زنان شما در راه و جاده با مردان برخورد می کنند و به آن ها تنه می زنند، آیا از این کار شرم نمی کنید.

ص: ۸۷

۱- [۱]. همان، باب ۹۷، ص ۱۳۲، روایت ۱؛ همچنین کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۱.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

### بخش سوم: همراه با برنامه سازان

#### اشاره

بی تردید صدا و سیما به منزله یک دانشگاه عمومی است؛ چون مخاطب آن عموم مردم هستند. از این رو، این رسانه ملی و همگانی، می تواند تأثیر فراوانی در شکل دهی افکار و کردار مردم داشته باشد. بنابراین، اگر بخواهیم صدا و سیما مروج الگوی پوشش اسلامی در سطح جامعه باشد، باید مجریان و افرادی که به هر نحو در تلویزیون ظاهر می شوند، الگوی پوشش اسلامی را خوب بشناسند و سپس آن را در عمل به عنوان پوشش مطلوب رعایت کنند. تا با روش تربیتی الگوپذیری مشاهده ای، دیگران را به سمت استفاده از الگوی پوشش اسلامی دعوت کنند.

#### انتقادات و پیشنهادها

به منظور مفید و کاربردی بودن مباحث این اثر، نکاتی را در قالب پیشنهاد بیان می کنیم. چون مسئله پوشش، مسئله ای فرهنگی است که بیش از همه با نهادهای فرهنگ ساز

جامعه، مثل خانواده، مدرسه و رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما ارتباط دارد، مخاطب این پیشنهادها نیز بیش تر این نهادها هستند.

۱. یکی از انتقادهایی که متوجه برخی خانواده ها و به ویژه والدین و به ویژه متوجه مادران است، این است که متأسفانه نه تنها نسبت به عادت و تمرین تدریجی فرزندان خود، به ویژه دختران به رعایت پوشش اسلامی و نهادینه کردن آن از همان سنین خردسالی اقدام نمی کنند، بلکه بر عکس دانسته یا ندانسته به بهانه خردسال بودن فرزندان،

ص: ۸۸

به ویژه دختران، آن ها را با لباس های کوتاه، نازک، و بدن نما به مهمانی ها و کوچه و بازار می برند. این مادران توجه نمی کنند که یکی از مهم ترین پی آمدها و آثار منفی این کار، نهادینه شدن احساس خودآرایی برای دیگران از همان سنین خردسالی در بین دختران است.

طبیعی است وقتی دختری از خردسالی با روحیه خودآرایی تربیت و بزرگ شد، در بزرگ سالی که گزینه جنسی و تمایلات زیبایی دوستی اوج می گیرد، دیگر به سختی می توان او را از عمل خود آرایی برای دیگران باز داشت؛<sup>(۱)</sup> زیرا بازداشتن آنان از خودآرایی در سن جوانی، نه تنها تأثیری ندارد، بلکه بیش تر باعث مقاومت و لجاجت آن ها می گردد. به نظر می رسد یکی از مهم ترین حکمت ها و رمز و رازهای توصیه ائمه اطهار علیهم السلام در مورد عادت و تمرین دادن فرزندان از خردسالی به احکام شرعی و کارهای نیک، این است که به طور تدریجی و طبیعی این کارها برای آن ها ملکه و نهادینه شده و جزء منش و خلق و خوی آنها گردد تا دیگر نیازی به امر و نهی های گسترده و بدون فایده در دوران جوانی نباشد.

بنابراین، پیشنهاد می شود والدین و به ویژه مادران از همان آغاز کودکی در پوشش فرزندان خود با دقت عمل کرده و تدابیر لازم را برای عادت و تمرین دادن آن ها به پوشش های اسلامی به کار گیرند. البته در راستای تمرین و عادت دادن فرزندان به رعایت حجاب و پوشش، باید با استفاده از روش تربیتی اعطای بینش، بصیرت و آگاهی کافی و عمیق به تناسب سن، جنس و پایه تحصیلی آن ها در مورد آثار و فواید و رعایت انواع پوشش های اسلامی داده شود. در این صورت، تمرین دادن آنان امری خشک و بی روح و فاقد پشتوانه شناختی و معرفتی نمی شود. و این اعطای بینش و شناخت دقیق در مورد فواید رعایت پوشش های اسلامی از راه های مختلفی صورت می گیرد که بهترین

ص: ۸۹

۱- [۱]. برای آگاهی بیش تر به کتاب تربیت جنسی کودک و نوجوان از دیدگاه اسلام و علم، بخش نهم، لباس و پوشش مراجعه شود.

شیوه استفاده از نهاد فرهنگی مدرسه و نهادهای آموزشی دیگر است. بنابراین، پیشنهاد می شود مطالب دقیق، عمیق و مستمر درباره پوشش اسلامی، فلسفه، فواید و آثار مثبت آن در ضمن کتاب های درسی از همان دوران ابتدایی به تناسب فهم، سن و جنس آموزش داده شود. برای نمونه، به صورت صحیح و کارشناسی شده، آموزه های سوره نور و دیگر آیات و احادیث مربوط به حجاب و پوشش، به صورت مناسب به دختران آموزش داده شود. همچنین تعالیم موجود در سوره یوسف و دیگر آیات و احادیث مربوط به شیوه کنترل غریزه جنسی و نگاه، به پسران آموزش داده شود.

افزون بر آموزش رسمی و پی در پی، در مناسبت های مختلف، مسابقات کتاب خوانی و پژوهش درباره مسائل مربوط به حجاب و پوشش های اسلامی نیز می تواند مفید باشد. برای مثال، مسابقه تحقیق در مورد کتاب های زیر توصیه می شود:

\_\_ مسئله حجاب از استاد مرتضی مطهری؛

\_\_ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی از دکتر حداد عادل؛

\_\_ آئین بهزیستی اسلام از دکتر اردوباری؛

\_\_ حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید از حسین مهدی زاده.

۲. انتقاد و پیشنهاد دیگر، به شکل معماری خانه ها مربوط است. متأسفانه به تازگی با پیروی از فرهنگ غرب، در ایران نیز مد شده که خانه ها به شکل اوپن و باز ساخته شود. به گونه ای که داخل منزل به صورت یک دست و وسیع و بدون اتاق بندی مناسب ساخته می شود. در این صورت، اگر نامحرمی وارد خانه شود، به طور طبیعی افراد صاحب منزل خیلی امکان پوشش ندارند، یا اگر پدر و مادر بخواهند براساس حق هم خوابگی، از یکدیگر لذت جنسی ببرند، به دلیل نبود اتاق بندی مناسب و نبودن مکان ویژه، نمی توانند دور از چشم فرزندان و دیگر اعضای خانواده از یکدیگر لذت ببرند.

بنابراین، پیشنهاد می شود شکل ساخت منازل مطابق با آموزه های اسلامی باشد. به گونه ای که هر ساختمانی به نحو مناسب اتاق بندی گردد تا امکان رعایت حد و مرزهای

ص: ۹۰

شرعی به خوبی فراهم آید.

۳. در کنار دو نهاد خانواده و مدرسه، از نقش بسیار مهم نهاد فرهنگ ساز صدا و سیما نیز نباید غفلت کرد. بی تردید استفاده بسیار زیاد مردم از تلویزیون به گونه ای است که امروزه شاید حتی در روستاها نیز نتوان خانه ای پیدا کرد که تلویزیون نداشته باشند. به همین دلیل، می توان گفت که نقش الگودهی رادیو و تلویزیون از خانه و مدرسه نیز بیش تر است.

با توجه به این نکته، تمام رفتار افرادی که در تلویزیون مطرح می گردند، اعم از مجریان، هنرمندان و بازیگران فیلم ها، مستقیم یا غیرمستقیم بر مخاطبان تأثیر می گذارد. نیز از آن جایی که به طور معمول، اولین چیزی که از این افراد مورد توجه قرار می گیرد، نحوه پوشش آن هاست، طبیعی است که تأثیرپذیری مردم از نحوه پوشش مجریان، هنرمندان و بازیگران تلویزیون بیش تر باشد. به گونه ای که چه بسا نحوه پوشش یک هنرمند یا بازیگر تلویزیون، باعث گردد نوع لباس وی در سطح جامعه به عنوان یک نوع مد پنداشته شود. این تأثیر پذیری گسترده مردم از تلویزیون، باید باعث شود تا افرادی که در تلویزیون ظاهر می شوند، در نحوه پوشش و حجاب خود دقت و تأمل بیش تری کنند.

گاهی ممکن است به صورت خواسته یا ناخواسته حجاب و پوشش اسلامی مورد تحقیر و توهین قرار گیرد. مثلاً اگر در برنامه ای حجاب و پوشش اسلامی همراه با فقر و بیچارگی نمایش داده شود، زنان پست، ناتوان، خدمت کار، زندانی و بدکاره های شکست خورده به صورت زنان با حجاب نشان داده شوند و زنان سرشناس، ممتاز و بد حجاب، در هیأت بانوی خانه و مسئول مراکز و خوش بخت و تحصیل کرده و مدیر نشان داده شوند، در این حالت توانایی، موفقیت، علم و دانش، با برهنگی و بدحجابی، و در مقابل، ناتوانی، شکست، جهل و نادانی با حجاب و پوشش اسلامی توأم خواهد شد. این صحنه ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم به مخاطب این فکر استعماری را القا می کند که حجاب و پوشش اسلامی، باعث رکود، عقب ماندگی و بدبختی است.

ص: ۹۱

گرچه در یک ارزیابی اجمالی می توان گفت چگونگی حجاب و پوشش بانوان در تلویزیون روند مثبتی داشته است. و برخی از بانوان گوینده اخبار و مجریان بهترین و کامل ترین نوع حجاب و پوشش را دارند، ولی نحوه پوشش برخی بانوانی که در سریال های ایرانی بازی می کنند، مطلوب نیست و به طور طبیعی اثر منفی خود را خواهد گذاشت.

البته مخفی نماند که بازیگران زن بی حجاب سریال های خارجی نیز روی زنان و دختران ما تأثیر منفی خواهند گذاشت و باید برای این گونه سریال ها نیز فکری کرد.

نکته اساسی و بسیار مهم در این زمینه این که موفقیت سه نهاد خانواده، مدرسه و صدا و سیما، مرهون الگودهی هماهنگ آنان است؛ به گونه ای که مخاطبان دچار تعارض الگویی نگردند؛ زیرا اگر هر یک از نهادهای یاد شده، یک الگوی پوششی متعارض و متضاد با الگوی دیگری را ارائه کند، در این صورت مخاطب دچار سرگردانی و تعارض در پذیرش الگو می گردد و این گرفتاری و معضل، کار تربیت و تأثیر گذاری را بدون نتیجه و دست کم بی فایده می گرداند.

البته طبیعی است اعطای بینش و شناخت در زمینه حجاب در صدا و سیما، می تواند با راه کارهای مختلفی انجام شود. برخی از این راه کارها عبارتند از:

\_\_ تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و تربیون آزاد برای طرح پرسش ها و مسائل حجاب؛

\_\_ ترتیب مسابقه های کتاب خوانی از کتاب های ارزشمند درباره حجاب و پوشش همراه با اعطای جایزه و تشویق برندگان؛

\_\_ دعوت از کارشناسان مسائل حجاب و پوشش برای سخن رانی و....



افزون بر راه کارهای جزئی یاد شده به منظور تبیین و شناساندن فرهنگ حجاب و پوشش برتر در صدا و سیما، راه کارهای کلی دیگری نیز برای معرفی بیش تر و بهتر حجاب اسلامی وجود دارد. این راه کارهای کلی عبارتند از:

ص: ۹۲

\_ ارتباط با مراکز و نهادهای پژوهشی که در زمینه حجاب و پوشش فعالیت های علمی داشته اند؛

\_ طرح پرسش هایی با مردم در زمینه حجاب؛

\_ طرح پرسش هایی تخصصی برای گفت و گوی علمی و کارشناسانه؛

\_ معرفی پژوهشگران و آثار و منابع در زمینه حجاب و پوشش و تأثیر آن در کنترل تحریک جنسی.

برای پیش برد موضوع نوشتار حاضر و ادامه پژوهش ها در این زمینه، برای هر یک از راه کارهای بالا، موارد و مصادیقی برای مثال معرفی می گردد.

### معرفی برخی مراکز و مؤسسه ها

۱. مجتمع علمی آموزشی علوم اسلامی خواهران قم (جامعه الزهراء)؛ برگزار کننده نشست علمی عفاف، فرهنگ حجاب؛ بیم ها و امیدها در شهریور ۱۳۷۹؛

۲. سازمان تبلیغات اسلامی؛ برگزار کننده نمایشگاه تشخیص و منزلت زن در نظام اسلامی، تهران، بهمن ۱۳۷۰ که مجموعه مباحث طرح شده در آن چاپ شده است.

۳. مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم؛ برگزار کننده نشست های متعدد درباره بررسی مسائل و شبهات حجاب که حاصل مطالب این نشست ها چاپ و منتشر شده است؛

۴. مؤسسه فرهنگی پیام غدیر؛ برگزار کننده همایش حجاب، چالش ها و پرسش های جدید، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۲.

### پرسش های مردمی

۱. مهم ترین عوامل مهار غریزه جنسی جوانان چیست؟

۲. به نظر شما بین گسترش بدحجابی و بی حجابی و افزایش مفاسد اجتماعی در سطح جامعه چه رابطه ای وجود دارد؟

ص: ۹۳

۳. در دهه سوم انقلاب اسلامی، آیا رعایت حجاب اسلامی از سوی بانوان در سطح جامعه گسترش یافته یا کاهش یافته است؟ چرا؟

۴. چه نوع حجابی را در کنترل غریزه جنسی جوانان مؤثرتر می دانید؟ چرا؟

۵. آیا رعایت حجاب از سوی بانوان راحت تر است یا کنترل نگاه از سوی مردان؟ چرا؟

### پرسش های کارشناسی

۱. چرا وضع حجاب در جهان اسلام به جایی رسیده که اگر یک زن مسلمان با حجاب کامل و صد در صد اسلامی، مثلاً با پوشش صورت و دست ها ظاهر شود، انگشت نما می شود، حال آن که در گذشته ای نه چندان دور، بی حجابی این گونه بود؟

۲. در مواجهه با مشکل بد حجابی و بی حجابی، آیا فقط معتقد به کار فرهنگی هستید یا اقدام عملی و اجرایی را نیز لازم می دانید؟ اگر اقدام عملی را لازم می دانید، این اقدام چیست؟

۳. آیا بین بزهکاری بانوان و مقدار پوشش آن ها رابطه معنا داری است؟ به گونه ای که بانوان بدحجاب یا بی حجاب، بیش تر مرتکب بزهکاری جنسی می شوند.

۴. راه کارهای عملی برای آموزش صحیح حجاب اسلامی در بین دختران از سن خردسالی چیست؟

۵. آیا حجاب با چادر، به ویژه چادر مشکی، دارای ریشه قرآنی و اسلامی است؟

۶. چگونه می توان بین نیاز به حجاب اسلامی در بانوان و روحیه خودنمایی آنان به نحو شایسته جمع کرد؟

۷. به رغم وجود قانون مبارزه با بی حجابی و بد حجابی، چرا پس از گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی، هنوز مشکل بدحجابی در جامعه حل نشده است؟

۸. آیا در قرآن و احادیث، شکل خاصی از حجاب برای بانوان ذکر شده است؟ یا

ص: ۹۴

فقط چارچوب کلی ای برای حدود شرعی حجاب بیان شده است؟

۹. آثار روحی و روانی نگاه به نامحرم در جوان چیست؟ و چگونه می توان از پیدایش آن جلوگیری کرد یا از تأثیر آن کاست؟

۱۰. لباس و پوشش شهوت چیست و آیا ملاک لباس شهوت در جوامع گوناگون متفاوت است؟

### معرفی برخی افرادی که در زمینه پوشش مطالعات و تحقیقاتی داشته اند

\_\_ سروش محلاتی، «رابطه پوشش و نگاه»، مجله پیام زن، ش ۹۵ \_ ۹۶؛

\_\_ رسول جعفریان، دارای مقالات متعدد درباره تاریخچه حجاب و کشف حجاب و گرد آورنده مقالات متعددی در زمینه حجاب با عنوان رسائل حجابیه؛

\_\_ علی اکبر سیفی مازندرانی؛ نویسنده کتاب دلیل تحریر الوسیله؛ (احکام الستر و النظر).

مسعود پور سید آقایی، نویسنده کتاب حجاب میوه شناخت؛

\_\_ سید علی اکبر حسینی، گفت و گو درباره حجاب با عنوان بررسی شبهات حجاب (۱)، مدیریت تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله قم؛

\_\_ مهدی مهریزی، نویسنده کتاب حجاب که با عنوان آسیب شناسی حجاب نیز چاپ شده است.

\_\_ محمد حسین حق جو، نویسنده کتاب حجاب اسلامی؛

\_\_ دکتر جعفر بولهوی، مجری طرح بررسی ویژگی های حجاب خواهران در دانشگاه تهران؛

\_\_ دکتر سید جعفر شهیدی، «حجاب در قرآن» مجله پژوهش های قرآنی، (ویژه زن در قرآن)، بهار و تابستان ۱۳۸۰؛

\_\_ دکتر قائمی، نویسنده کتاب حجاب زن در اندیشه اسلامی؛

\_\_ دکتر صبور اردوباری، نویسنده کتاب آیین بهزیستی اسلام (برخی از جلد‌های آن درباره پوشش است)؛

\_\_ دکتر غلامعلی افروز، استاد راهنمای پایان نامه نقش حجاب در سلامت روان. موسسه امام خمینی رحمه الله قم.

\_\_ دکتر باقر غباری، استاد مشاور همان پایان نامه؛

\_\_ سیده فاطمه علامه، نویسنده چند جلد کتاب با عنوان حجاب فاطمی؛

\_\_ خانم دکتر زینب جلالی، در گفت و گوی حجاب از دیدگاه روان شناسی، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله قم؛

\_\_ خانم فتحیه فتاحی زاده، نویسنده کتاب حجاب از دیدگاه قرآن و سنت.

## معرفی برخی منابع

(۱)

\_\_ مسئله حجاب، مطهری، مرتضی، چاپ مکرر، صدرا، تهران، بهار ۱۳۶۷.

\_\_ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، مطهری، مرتضی، چ ۲، صدرا، تهران، تابستان ۱۳۶۷.

\_\_ حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، مهدی زاده، حسین، چ ۱، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، زمستان ۱۳۸۱.

\_\_ آیا حجاب ضرورت دارد؟ بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روان شناسی،

ص: ۹۶

۱- [۱]. درباره حجاب پوشش اسلامی، منابع بسیار فراوانی وجود دارد. در معرفی بالا، فقط برخی منابع که ارتباط بیش تری با موضوع نوشتار حاضر داشته اند، ذکر گردیده اند. برای آشنایی بیش تر با منابع مربوط به حجاب و پوشش نک: الف) رسول جعفریان، کتاب شناسی حجاب، مجله آینه پژوهش شماره پیاپی، ۶۹ مرداد \_ شهریور ۱۳۸۰. ب) احمد ملک شاهی «استدراکی بر کتاب شناسی حجاب» مجله آینه پژوهش، شماره پیاپی ۷۲، ۷۱ آذر \_ اسفند ۱۳۸۰.

روحانی، شهریار، اشراقیه، تهران، ۱۳۶۹.

\_\_ تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اکبری، محمد رضا، حسین فهمیده، اصفهان، ۱۳۷۶.

\_\_ روان شناسی و فرهنگ پوشش (آرامش، آرایش، محبت با پوشش)، میر غفوری، سید مجتبی، ناشر مؤلف با همکاری جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

\_\_ زن جوان و پوشش اسلامی، نوابی نژاد، عفت، ناشر مؤلف، تهران، ۱۳۷۰.

\_\_ فلسفه حجاب و زیان های فساد، محمدی، علی، ارم، قم، ۱۳۷۰.

\_\_ نگاه تا نگاه، محمدی، جواد، رشد، تهران، ۱۳۷۶.

\_\_ حریم عفاف (حجاب نگاه)، حسینیان، روح الله، چ ۱، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، تابستان ۱۳۷۲.

\_ \_ المفصل فی احکام المرأه و البيت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، زیدان، عبدالکریم،  
چ ۳، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

\_ \_ مقدمه ای بر روان شناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)، هاشمی کاوندی، سید  
مجتبی، چ ۳، شفق. قم. ۱۳۷۸.

\_ \_ مؤسسه فرهنگی دارالحدیث. حدیث زندگی (مجله)، ویژه عفاف، قم. ش ۶، مرداد و  
شهریور ۱۳۸۱.

\_ \_ بررسی شبهات حجاب (۲) رویکردی عقلانی به شبهات حجاب، زیبائی نژاد، محمد  
رضا، سید جعفر حق شناس، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
رحمه الله قم.

ص: ۹۷

### نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده می توان نتیجه گرفت که با وجود رویکردهای افراطی و  
تفریطی غرب در باب غریزه جنسی، اسلام رویکردی اعتدالی، منطقی و واقع بینانه نسبت  
به غریزه جنسی دارد و با راه کارهای مختلفی مثل ازدواج و پوشش های اسلامی، زمینه  
تسکین مشروع و معقول غریزه جنسی را به طور بسیار مؤثر و کار آمد فراهم کرده است.

همان گونه که از لابه لای مطالب طرح شده آشکار گشت، چون مصادیق و انواع پوشش  
های اسلامی متعدد و گوناگون هستند، تسکین پوشش های اسلامی نسبت به تحریک  
غریزه جنسی نیز گستره بسیار وسیعی دارد، به گونه ای که شامل پوشش های اسلامی  
ظاهری و باطنی، با همه مصادیق و جلوه های متعدد آن می گردد.

براساس آموزه های اسلامی، این گونه نیست که تنها یکی از دو نوع پوشش ظاهری و باطنی برای مهار غریزه جنسی کافی باشد. از آموزه های اسلامی استفاده می شود که به منظور کاهش تحریک غریزه جنسی و دست یابی به آرامش جامع و کامل، هر دو نوع پوشش های اسلامی ظاهری و باطنی مکمل یکدیگر و در کنار هم مفید، لازم و در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. پس از یک سو، حجاب و پوشش های ظاهری در ایجاد و تقویت پوشش های باطنی مثل عفت، حیا و دین داری مؤثر هستند و از سوی دیگر، پوشش های معنوی و باطنی یاد شده نیز باعث ایجاد و تقویت انواع حجاب و پوشش های ظاهری می گردد و در نتیجه، هر دو نوع پوشش به نحو بسیار مؤثر و کارآمد، در مهار غریزه جنسی نقش ایفا می کنند.

در پایان باید یادآوری کرد که ممکن است عده ای با گسترش ارتباطات در عصر کنونی، در کارآمدی پوشش های اسلامی در مهار غریزه جنسی تردید کنند، ولی حقیقت این است که این تردید صحیح نیست و باید با مطالعه و تحقیق به کارآمدی پوشش های اسلامی اعتقاد راسخ پیدا کرد و سپس براساس آن اعتقاد راسخ عمل کرد. بهترین و

ص: ۹۸

قوی ترین دلیل و شاهد بر کارآمدی پوشش های اسلامی در کنترل تحریک غریزه جنسی، این است که پوشش های اسلامی در طی قرن ها و نسل های متوالی، کارآمدی خویش را به اثبات رسانده اند و بهترین قرینه و شاهد آن، پرورش و تربیت انسان های مؤمن، عفیف و محجوب براساس اعتقاد و التزام عملی نسبت به رعایت پوشش های اسلامی در روابط اجتماعی است. اعتقاد و التزام عملی که متأسفانه امروزه به دلیل پیروی از الگوهای بیگانه و افزایش هجوم فرهنگی غرب تا حدودی در جامعه اسلامی ما کم رنگ شده است و پر رنگ کردن آن، کارهای فرهنگی صحیح، عمیق و هماهنگ همه



نهادهای فرهنگی را برای ایجاد اعتقاد و التزام عملی مردم، به ویژه نسل جوان نسبت به کارآمدی پوشش های اسلامی در تسکین تحریک جنسی می طلبد.

ص: ۹۹

### کتاب نامه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تصنیف: مصطفی و حسین درایتی، چ دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۴ م.
۳. ابن منظور المصری، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب، چ اول، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۴. احمدی، احمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، چ چهارم، مشعل، اصفهان، تیر ۱۳۷۳.
۵. اردوباری، احمد، آیین بهزیستی اسلام، چ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.
۶. اسلامی نسب، علی، تربیت جنسی کودک و نوجوان از دیدگاه اسلام و علم، چ اول، نسل نواندیش، بی جا، ۱۳۷۹.
۷. افروز، غلام علی، روان شناسی خانواده همسران برتر، چ اول، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، پاییز ۱۳۷۷.

۸. الطباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۹. المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، المكتبة العلمیه، بیروت، بی تا.

۱۰. المنذری، عبدالعظیم عبدالقوی، الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، چ سوم، داراحیاء التراث اسلامی، بیروت، ۱۳۸۸ ق.

۱۱. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، چ دوازدهم، انتشارات اسلامی، مرداد ۱۳۶۸.

۱۲. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چ چهارم، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

۱۳. پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله، چ دوم، بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد، تهران، ۱۳۶۴.

ص: ۱۰۰

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.

۱۵. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چ ششم، سروش، تهران، ۱۳۷۴.

۱۶. حرّانی، ابومحمد الحسن علی ابن الحسین ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، مترجم: احمد جنتی، انتشارات علمیه اسلامی، اسفند ۱۳۵۴.

۱۷. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، طبع دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. رفیع، جلال، یادداشت ها و رهاوردهای سفر نیویورک در بهشت شداد، آمریکای متمدن، آمریکای متوحش، چ اول، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰.
۱۹. زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم، چ سوم، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. سادات، محمد علی، رفتار والدین با فرزندان، چ چهارم، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، دی ماه ۱۳۷۵.
۲۱. شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان، چ چهارم، تربیت، تهران، بهار ۱۳۷۶.
۲۲. صدوق، علی بن الحسین بن بابویه قمی، کتاب من لایحضره الفقیه، چ دوم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی قم المقدسه، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. طبرسی، ابی منصور، الاحتجاج، چ دوم، منشورات الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. طبرسی، رضی الدین ابی نصر علی بن الفضل، مکارم الاخلاق، چ ششم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ ق.
۲۵. فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات، چ دوازدهم، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، ۱۳۴۴.
۲۶. فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چ اول، الحدیث، تهران، ۱۳۶۸.

۲۷. فیض کاشانی، محمد بن المرتضی، المحججه البیضاء، فی تهذیب الاحیاء، چ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، (بی تا).

\* قرآن مجید، مترجم: مهدی الهی قمشه ای، موسسه انتشارات دارالثقلین، قم، (بی تا).

ص: ۱۰۱

۲۸. قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مصصح: سیدطیب موسوی جزائری، چ اول، طبع دارالسرور، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول و الفروع من الکافی، چ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بهار ۱۳۶۷.

۳۰. کوچتکف، و.د، روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، مترجم: محمد تقی زاده، چ دوازدهم، بنیاد، تهران، ۱۳۶۹.

۳۱. لوشر، روان شناسی رنگ ها، ترجمه ویدا ابی زاده، بی نا، بی جا، بی تا.

۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، چ دوم، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۳۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۳، ۵ ق.

۳۴. محمودی، سید محسن، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، چ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، صاحب الزمان (عج)، ورامین، پاییز ۱۳۸۰.

۳۵. مدن، یوسف، التریبه الجنسیه للاطفال و البالغین، چ اول، دارالمحجه البيضاء للطباعه والنشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۶ ق.

۳۶. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چ اول، مؤسسه الطباعه والنشر، (بی جا) ۱۴۱۶ ق.

۳۷. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، چاپ دوم، صدرا، تهران، ۱۳۶۷.

۳۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، صدرا، تهران، بهار ۱۳۶۷.

۳۹. مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.

۴۰. ناظم زاده، قمی، سیداصغر، جلوه های حکمت گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین (علی ع)، چاپ اول، دفتر نشر الهادی \_ پاییز ۱۳۷۳.

۴۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ دارالکتب الاسلامیه.

\* نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، نوشته انتشاراتی حضور، قم، ۱۳۸۰.

ص: ۱۰۲

\* نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح، چ پنجم، مؤسسه دار الهجره، قم، ۱۴۱۲ ق.

۴۲. هاشمی کاوندی، سید مجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی، چ اول، شفق، قم، ۱۳۷۰.

## نشریات

۱. جعفریان، رسول، «کتاب شناسی حجاب»، مجله آینه پژوهش، شماره پیاپی ۶۹، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
۲. رحمانی، حجت الله، «اعجاز رنگ سیاه چرا چادر مشکی»، نشریه فیضیه، ۷ آذر ۱۳۷۹.
۳. سروش محلاتی، محمد، «رابطه پوشش و نگاه»، مجله پیام زن، ش ۹۵.
۴. طبرسی، ابوعلی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ اول، داراحیاء التراث العربی للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۶ ق.
۵. عسکری سعید، «حجاب در ادیان الهی»، مجله حدیث زندگی (ویژه عفاف)، ش شش: مرداد و شهریور ۱۳۸۱.
۶. ملک شاهی، احمد، «استدراکی بر کتابشناسی حجاب»، مجله آینه پژوهش، شماره پیاپی ۷۲، ۷۱، آذر \_ اسفند ۱۳۸۰.
۷. مهدی زاده، حسین، «نقد ادله مخالفین چادر مشکی» روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ و ۴ بهمن ۱۳۷۹.
۸. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ ق.
۹. نوری، علی رضا، «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن»، نشریه اندیشه صادق، چاپ دوم، ش ۸ و ۹، پائیز و ۸۱